

اعتراض جهانیان علیه اعدام رفیق انوشیروان لطفی

یابیه هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (انگلیز)

درباره رویدادهای اخیر کشور

هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (انگلیز) نظریه اهمیت و حساسیت رویدادهای اخیر کشور، آنها را مورد توجه و بررسی قرار داده، تا کیدمی کند که آنچه در زمینه فعل و انفعالات در حکومت، وضعیت جنگ و تعرضات تازه علیه نیروهای انقلابی و دیگر مخالفان رژیم رخ میدهد، رویدادهای است مرتبط با یکدیگر که وضعیت جدیدی را در اوضاع سیاسی کشور با زتاب میدهد.

مهمترین رویداد دوره اخیر، قرار گرفتن رفسنجانی در اسنیروهای مسلح رژیم تحسنت عنوان چا نشین فرما نده کل قوا بوده است. این تحول نتیجه روندی بوده است که طی سال های اخیر، منازعات درون حکومت به همراه داشته است. طسی این روند، با حمایت خمینی از رفسنجانی و دولت، جناح رسالت در حفظ مواضع خود در ارگان های رژیم شکست خورد و این شکست با نتایج انتخابات مجلس سوم و بر گماری رفسنجانی به کفالت فرما ندهی کل قوا تشبیه شد. طی این روند، منتظری به عنوان شخص اول رژیم پس از خمینی، موقعیت خود را از دست داد و رفسنجانی به قدرت مندترین رجل حکومتی پس از خمینی، تبدیل شد. اینک او شکلی را بر عهده میگیرد که "مصلحت" نظام جمهوری اسلامی میطلبد. انتخاب اخیر، گامی است مهم در مسود رفسنجانی به موقعیتی که برپایه آن بتوانند مساله چا نشینی خمینی را به سو دخود حل کنند. موقعیت رفسنجانی در اسنیروهای در راه با جناح هسا و دسته بندی های حکومتی و نظرات آنها نسبت به وی، این امکان را تو قیبت میکند، انتخاب رفسنجانی به این مقام با توجه به این امر نیز بوده است که رژیم برای ما نوره ای تازه، زدو بندهای پنهانی و تصمیم گیری در مورد سرنوشت جنگ و انبوه معضلات رژیم را مساعتر زد.

تحول با اهمیت دیگری که طی دوره های اخیر تکوین یافت، شکل گیری و تقویت جریان آزیمان نیروهای مخالف جناح رسالت در حکومت در جریان انتخابات مجلس بود. این جریان با حمایت موثر "بیت امام"، در "روحا نسبت مبارز تهران" انشعابی را سازمان داد و "روحا نیون مبارز تهران" را تاسیس نمود. این نیرو که با چهره های چسبون محتشمی و خوشینی ها مشخص شده است، همچنان می کوشد با کمک شعارهای "دفاع از مستضعفین و محرومین" و با تعرض و تبلیغات علیه آمریکا، چهره سرکوبگر، آزادی کش و جنگ طلب خود را پنهان سازد. طی ماه های اخیر اوضاع جنگ به میزان رژیم تغییر کرده است. نیروی نظامی رژیم، نه تنها در دریا و هوا، بلکه در زمین نیز پیش از پیش تضعیف شده است. شکست های بسیار سنگین در فوا و شلمچه و انهدا بخش مهمی از نیروهای دریایی و پیشکش های ایران در خلیج فارس، ضربات روحی - روانسی و اقتصادی سنگین ناشی از جنگ شیره، افزایش شدید ناظرانی و فقدان روحیه و انگیزه در صفوف ارتش و حتی سپاه و بسیج، استراتژی جنگی رژیم را بسیار شکست های فلاتک بار و روبرو ساخته و امکانات رژیم را برای جنگ بیش از هر زمان دیگر محدود کرده است. اما این امر مانع از آن نیست که در چشم انداز نزدیک، رژیم به یک بسیج نیرویها چه به منظور "انتقام گیری از عراق و اجزاء" روحیه رزمی نیروهای خود، دست بزند. تا کید خمینی مبنی بر این که دادگاه های نظامی با یدقا طه نه عمل کنند، مشخصا ناظر بر همین مساله بوده و نیونگر حاساست و هر اس رژیم در مقابل هر نوع انتقاد، اعتراض و تحرد نظامیان در یک چنین وضعیتی است.

سپردن اختیار نیروهای مسلح به رفسنجانی، نوعی نگرانی رژیم نسبت به سرنوشت جنگ را با زتاب میدهد. احساس ضعف و احساس خطر در پس این تصمیم نهفته است. رژیم با این اقدام خواهد تمام مکانات کشور را برای تصمیم گیری پیرامون سرنوشت جنگ بسیج کند.

هیات سیاسی سازمان با ردیگر تا کید می کند که دا به جنگ بزرگ ترین زیان ها را متوجه کشور مسا و بیژ کشور عراق می کند و هر روز و هر لحظه ای که اسلام شش بی به بیانه تعیین متجاوز، برداخت فرست و اهریانه فدایی به تعویق افتد، ضربات و زپان های بقیه در صفحه ۲

☆ فریاد اعتراض ایرانیان در سراسر جهان

☆ پیام همبستگی احزاب برادر و سازمانهای ترقیخواه

☆ اعتراض سازمان عفو بین الملل

در صفحات ۶ و ۷



عادی سازی رابطه با انگلیس و فرانسه

پس از آن که شکست استراتژی جنگی و مجموعی سیاست های رژیم در زمینه مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و به ویژه در عرصه سیاست خارجی، بر هم گسست آشکار گردید، بحث و اختلاف نظر پیرامون شکست های بی دربی در مطبوعات رژیم و مجلس حدت گرفتند. علنی شد، روزنامه های رژیم از ضرورت تدوین سیاست های تازه سخن به میان آوردند و بررسی از نمایندگان مجلس در بنی های پیش از دستور خود از عدم وجود یک سیاست منسجم برای اداره وادامه جنگ، انتقاد کردند.

در درون جامعه "راه جوئی ها" و درگیری های سران رژیم، مسئله "سیاست خارجی" یکی از موضوعات مهم مورد بحث و توجه بوده است. به طوری که در مجلس از اتخاذ سیاست های ضد ترقی که به تحریک همه کشورها و نیروها علیه ایران، انجام میدهد، به شدت انتقاد شد.

حدت بحران اقتصادی، شکست های سنگین در جنگ، رشد چشمگیر رفاه و مخالفت مردم نسبت به جنگ و رژیم، و سرانجام علنی شدن درگیری های جناح های مختلف حکومت بر سر چگونگی اداره وادامه جنگ و سیاست خارجی، سران رژیم را به چاره اندیشی حدی واداشت.

انتخاب رفسنجانی به چا نشینی فرما ندهی کل قوا، که در بیانه هیئت سیاسی کمیته مرکزی، مندرج در همین شماره "کار"، مورد بررسی قرار گرفته، مهم ترین شاخص تمهیدات تازه رژیم است. "عادی سازی" شتاب آلود را بطنه با فرانسه و انگلستان نیز جزئی از این چاره اندیشی ها است. رساله های خبری و مطبوعات غربی در مجموع از تحولات اخیر حکومت ایران با عیاراتی چون، تحکیم موقعیت شخصیت های "میان درو" و "واقع بین" استقبال کردند. دولت های فرانسه و انگلیس نیز اوضاع را برای برقراری مجدد رابطه و تحمیل شرایط خود، به زیان منافع ملی مردم ایران، مناسب تر بقیه در صفحه ۲

در بیم شکست های تازه در جبهه ها

روزی که در خرداد، اسبانیان خمینی به حمله بزرگ دیگری در جبهه های جنوبی دست زدند، این حمله علیرغم نیروی عظیمی که در آن به کار گرفتند، شدت و نتایج آن اهداف مورد نظر سران رژیم را با نتیجه کند. تبلیغات جنون آمیزوهای وهوی نخستین رژیم در مورد "بیروزی بزرگ" به سرعت فروکش کرد، سران رژیم ترجیح دادند که خیلی زود این حمله را به فراوشی بسیارند. اما این حمله برای هزاران خانواده ای که جوانان خویش را در جریان آن از دست دادند، فراوش نمی شود، هما نگونه که حملات قبلی برای هزاران خانواده غدا رفراوش نشده است. تا گامی رژیم سلاهی در حمله اخیر خود که هدف عمدتاً حبران شکست های سنگین اخیر در جبهه ها و احیای روحیه رزمی در نیروهای مسلح بود، در عین حال نخستین شکست اقدام جنگی رفسنجانی در مقام فرما ندهی جنگ به حساب می آید.

تصمیم سران رژیم به ایجاد دفترهای در سطح فرما ندهی نیروهای مسلح و متمرکز کردن بیش از پیش آنها زیر یک فرما ندهی واحد، برای بالابردن توان و روحیه متزلزل نیروهای مسلح در ادا مسه جنگ بوده است. رفسنجانی در مصاحبه ای پس از انتخابش، این منظور را ظر نشان ساخت و تا کید کرد که هدف از این انتخاب، ایجاد تمرکز بیشتر در میان نیروهای مسلح در ادا مسه جنگ است. خمینی به هنگام انتخاب رفسنجانی گفت که دادگاه های نظامی با یدقا قاطعیت کار کنند و رفسنجانی در مقابل نشین فرما نده کل قوا، وظیفه اجرای این فرمان یعنی تشدید اختناق، سرکوب و دیکتا توری در درون نیروهای مسلح و برتسوسود سرپازان و افسران میهن پرست را بر عهده دارد. رژیم برای اینکه بتواند به جنگ ادا میدهد، به کنترل سرکوبگران و نیروهای مسلح خود، هر روز نیاز بیشتری پیدا می کند. سیاست بسیج نیرو و در اس شکست خورد و ولایت فقیه علیرغم همه فشارهای که بر مردم می آورد، توان بسیج نیرو را به بقیه در صفحه ۳

در این شماره

کفرانس سران عرب و تحولات اوضاع خاور میانه	۸ ص
سیمایی از روستا در جمهوری اسلامی	۲ ص
فاجعه اعتبار و عوام فریبی های رژیم	۲ ص
حفظ حجاب اسلامی به زور شلاق	۷ ص
المیاب ستول؛ میدان نبردهای سیاسی و ورزشی	۹ ص
شبه کودتای ضیا الحق	۹ ص
چگونه بخش کنیم؟	۴ ص

درباره رویدادهای اخیر کشور

بقیه از صفحه اول

سنگین تری متوجه منافع ملی کشور ما می شود. تمام بار مسئولیت این خیانت بزرگ بر عهده سران خائن و جنایت کار جمهوری اسلامی است.

در ماههای اخیر به خصوص پس از مبارزات با رژیم پهلوی، وضعیت اقتصادی کشور هیچ گاه تا این حد بحران زده و خراب نبوده است. وضعیت به گونه ای است که مردم بی پول و آوارگان، اعتراض و نا رضایتی خود را از رژیم و مشخصا از آدامه جنگ، بیان می کنند. بیم زود مردوم پویا مدهای ناشی از رشد نا رضایتی بوده است. امروز بیش از پیش سران رژیم را فرار گرفته است. سرکوب، بازداشت و اعدام انقلابیون و مخالفان رژیم، در همین روزها با بی نظمی و شتاب به پیش می رود. سران رژیم و فرار گرفته است. سرکوب، بازداشت و اعدام انقلابیون و مخالفان رژیم، در همین روزها با بی نظمی و شتاب به پیش می رود.

ایران و بیادش و اعدا میا بران انقلابی و کمونیست، سکوت کرده و تنها از آزادی خود دفاع کرده اند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به همه هم میهنان و نیروهای آزادی خواه کشورهای دیگر می دهد که رژیم برای نجات از بحران زده و خراب شده است، که سران رژیم فرار گرفته است. سرکوب، بازداشت و اعدام انقلابیون و مخالفان رژیم، در همین روزها با بی نظمی و شتاب به پیش می رود.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این مقطع حساس که ارتجاع حاکم بر کشور است، در ضعیف ترین موقعیت خود، بطی تماما طول حیاتش قرار گرفته است. در این مقطعی که نظامی است و گشایش های درون هیأت حاکمه، شکستهای فزاینده با درجنگ و تشدید نا رضایتی و اعتراض مردم، سران رژیم را این چنین از سر نوشت خود بیعتناک و آزار یافته، خویش نگران ساخته است. همه نیروهای متروک رسیده، دموکرات و صلح جوی کشور را مخاطب قرار داده و تا کید می کنند که چنانچه ما قیام رژیم در راه نجات کشور را فراموش کنیم، اشتراک مساوی را بین خود پیدا کنیم، فلات و اخناتی همچنان ادامه خواهد یافت. امروز اگر راه نجاتی برای کشور ما متصور باشد، راهی است که با اهما همه صلح دوستان و آزادیخواهان کشور هموار می شود.

فدائیان خلق ایران در پرتو سبک خودی بی نهایتی و بیرونی و در برابر برافراستی که در کشور در حال گسترش است، خواستار اتحاد همه نیروها، جمعیت ها و

شخصیت های صلح دوست و آزادی خواه کشورهای جهان سرنگونی رژیم ولایت فقیه هستند. در یک جهت وسیع است. در این راه، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه نیروهای چپ و دموکراتیک کشورهای مختلف از حزب توده ایران، فدائیان خلق پیرو پویا، آذر، حزب دمکراتیک مردم ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و دیگر نیروهای چپ ایران، از نیروهای حزب دمکرات کردستان، از سازمان مجاهدین خلق ایران، جبهه دمکراتیک ملی ایران و دیگر نیروهای شورای ملی مقاومت، و نیز از جمعیت ها و شخصیت های صلح دوست و ولایت و سلطنت را در می کنند و خواهان استقرار بلا شرط صلح و براندازی رژیم ولایت فقیه و تامین آزادی سیاسی هستند. دعوت می کنند که برای سازماندهی عمل و اعتراض هماهنگ و متحد علیه سرکوبگری ها و آزادی کشی های سران رژیم، علیه سیاست ایران برپا داده آدامه جنگ، و بسیاری سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نکنند. با شکست زنده بگی و همگامی و اتحاد همه نیروهای دمکراتیک ایران، راه فرار از این رژیم منحط از بحران حادی که گویا نگرانی است را سدود و ترو لحظه مرگ آن را نزدیک تر سازد.

سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی زنده باد صلح، زنده باد آزادی هیأت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۱ خرداد ۱۳۶۷

عادی سازی ...

بقیه از صفحه اول

دیدند. بدین ترتیب روند آزرگیری رابطه، پس از ردوبدل شدن علنی بیما هم و مسافرت پیک هسهای جمهوری اسلامی به فرانسه و بریتانیا شتاب گرفت. سران رژیم، مذاکره برای "عادی شدن" رابطه با بریتانیا را ضمن استفاده از رسانه ها و گواگان ها، با چانه زدن به سر یکی - دومی لیبون لیره خسارت وارده به سفارتخانه آنها از طرفین آغاز کردند و در حالی بود که در رابطه با فرانسه، برای آنکه سریع تر به ۶۰۰ میلیون دلار از او مبلغ بدهی ایران در نسبت بیاورد، از ۴۰۰ میلیون دلار از او مبلغ بدهی ایران را در مذاکرات با فرانسه به حساب جیب خالی مردم ایران "گذشت" کرده و خیانت های مکرر در دادگاه هلاک در مواججه با ادعاهای شرکت های آمریکایی را تکمیل نموده بودند.

برای سران حکومت، خروج از انزوای سیاسی در این شرایط، مساله ای بسیار جدی است. آن چنان که حاضرند به خاطر آن، بسیاری از حقوق مردم و مصالح ملی کشور را قربانی کنند.

آقا زاده وزیر نفت رژیم در مصاحبه ای با لوموند، این "گشاده دستی" رژیم را به خوبی نشان داد. او ضمن اشاره به حجم عظیم معاملات رژیم با کشورهای اروپایی، گوید که دولت فرانسه را متوجه سود سرشاری که در قبایل گسترش مناسبات با رژیم خود سرشاری عایدش خواهد شد. وزیر نفت رژیم برای جلب تلبوب سران فرانسه تا بدین نحو پیش رفت که پیشینه استعما و گران فرانسوی را یکباره منکوشد! او بدون آنکه جنایات استعما و گران فرانسوی در الجزایر و در هندو کشوری دیگر را به خاطر آورد، علت شکر آب بیسودن رابطه رژیم خمینی با آمریکا و انگلیس را، پیشینه استعما و گران فرانسه دانست و یاد او را در شکست فرانسه چنین پیشینه ای ندارد. رژیم ایران به فرانسه به چشم دیگری نگاه می کند.

عقب نشینی های رژیم در مناسبات بیسواد و امپریالیستی، بدون تردید به فرانسه محدود نیست. و پیک های خمینی و رستخانی در لندن نیز همین سیاست را با رفع "تاهام" پیشینه استعما و رگسوری انگلیس دنبال می کنند.

سران خیانت پیشه رژیم جمهوری اسلامی که بعد از انقلاب بهمین مناسبات عا دلانه اقتصاد می رژیم شاه با امپریالیسم انگلیس را عمدتا حفظ

کردند، اکنون میروند تا بهای قربانی کسردن بیش از پیش منافع ملی مردم میهن ما، از انگلیس بخوابانند تا در وقت تنگدستی و بحران تنها یثسان نگذارند.

وضع بسیار ضعیف رژیم در سیاست خارجی، که نتیجه مستقیم بی کفایتی، خیانت و بیبکی و ماجراجویی سران حکومت است، نه تنها دولت انگلیس و فرانسه، بلکه حکومت ویکان را نیز به فراموشی انداخته تا بار دیگر برنا مای را که به رسوا می "ایران - کیست" انجام داده بود، در دستور بگذارد. مطبوعات آمریکا از ملات های بی نهایتی معانای آمریکا را با تمام بینندگان رژیم خمینی و میانجیگری برخی از سران کشورهای عربی، با در میان، خبر می دهند و مقامات وزارت خارجه آمریکا، برای ملات و مذاکره با اعلام آمادگی می کنند و همه اینها در شرایطی است که رستخانی و او، زودستی خیانت پیشه اش، علاوه بر سر اقدامات پشت پرده، به آشکارا و اظهار آمادگی های علنی خود نیز پرداخت بخشیده است.

در چنانچه بفرنج کوشی، داشتن مناسبات سیاسی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با دولت ها و کشورهای دیگر که از سوی مجامع بین المللی تحریم شده اند، بسک ضرورت انگارنا پذیر است. داشتن یک سیاست خارجی روشن، صریح و مبتنی بر منافع ملی، از جمله شروط مهم بهره برداری از روابط خارجی به سود ترقی و شغالی کشور است. بعد از انقلاب بهمین، به تکی از حضور میلیونها نفر از مردم انقلابی و بسنه یا خاسته میهن ما، در میدان منازره، بیننده های کاملا مساعی برای برهم زدن روابط خارجی تا برای برکوب چانه زنی ها و برقراری روابطی نوب، مبتنی بر منافع ملی و در خدمت روش ترقی کشور، پدید آمد. اما سران متروک رژیم در مسیصر خیانت به سران های انقلاب بهمین، در سیاست خارجی نیز بی شمار "نه شرقی، نه غربی" و توسل به اقدامات ماجراجویانه، و معاملات پشت پرده و زودبندی های فطمی، مردم ایران را از دوستان واقعی خود دور و کشور را در روابط بین المللی به شدت منزوی نموده و وضعیت را پدید آورده اند. با تکی عمل در چگونگی برقراری رابطه سیاسی، در دست امپریالیست ها قرار گیرد و منافع ملی میهن مسادرین یگانگه امپریالیست ها، از طریق برقراری مناسبات با سارت آمیز با آن ها، قربانی شود.

اجلاس سران ۷ کشور امپریالیستی

سران هفت کشور امپریالیستی (آمریکا، کانادا، انگلیس، فرانسه، آلمان فدرال، ایتالیا و ژاپن)، روزهای آخر خرداد در شهر تورنتو کانادا گرد آمدند تا طبق معمول هر ساله مهم ترین مسائل اقتصادی جهان امپریالیستی را بررسی و درباره آنها تصمیم مشترک اتخاذ کنند.

در اجلاس سران، از جمله مسائلی مهمی که مورد بررسی قرار گرفت، مساله وام های کم رهن که سران جهان سوم بود که هیچگاه از این کشورهای کانادا، فرانسه و آمریکا بابت وام های خود از این کشورها دریافت نکرده اند، سران ژاپن، کانادا، فرانسه و انگلیس، با تکی بر منافع ملی و به فکر چاره افتادند. بدین صورت که "کک" های خود را به برخی از این کشورها به ویژه کشورهای آفریقایی ادا می دهند. شرط بر این که آن کشورها شرط ادا دهندگان را بپذیرند. بدین ترتیب کشورهای امپریالیستی خواهند توانست کشورهای جهان سوم را همیشه مدیون خود نگه دارند تا دوستان بر اعمال هرگونه مساله را از دست همین ژورگویی همچنان باز باشد. به علاوه از قبیل همین وام های جدید، بهره وام های گذشته خود را دریافت کنند.

تخمین روابط بنا عا دلانه اقتصاد بر کشورهای جهان سوم از جانب امپریالیست ها، اختلاف و شکاف سطح زندگی این کشورها با کشورهای امپریالیستی را به میزان زیادی بالا برده است. اغلب این کشورها زیر طبع فرقه سرمایه پرند و هر سال ده ها میلیون کودک و بزرگسال را شکرگسنگی جان خود را از دست می دهند. سران کشورهای امپریالیستی با نادیده گرفتن واقعیت های فوق و نیز وجود ده ها میلیون بیگانه در کشورهای خودشان، وضعیت اقتصادی جهان امپریالیستی را "رضایت بخش" ارزیابی کردند که گویا در این سال ها، کم سابقه بوده است.

جهان امپریالیسم که در برابر آلترنا تیفون نظم نوین اقتصادی از جانب بسیاری از کشورهای جهان سوم قرار گرفته است، با برپا بودن جهات گوناگون استعما و رت خلقی ها و کشورهای جهان سوم به "نجات" قربانیان خود می خواهد. بیول های پیش را نجات دهد.

تصمیمات اخیر سران کشورهای امپریالیستی، قبل از هر چیزی تا همین گشته منافع غارتگر سران امپریالیست است.

نکته دیگر کفایت بل ذکر این است که، طبق روال سال های گذشته، سران متروک که دولت ها ایشان مشوق رژیم و گسترش قاچاق هستند، در اجلاس تورنتو برای منازره با "مبارزه با گسترش زمینه های قاچاق مواد مخدر" نیز به بحث و بررسی پرداختند.

کنفرانس سران ...

بقیه از صفحه ۶

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، به خاطر شتاب فریبی، سرور پیوسته پدید حاکم کشورهای حاشیه خلیج فارس، به خاطر توسعه طلبی و اشغال بخش های خاک عراق، همچنین به دلیل ایجاد تشنج و بی جرمی نسبت به ما کن مقدس مسلمانان، محکوم کردند. کنفرانس آدامه جنگ ایران و عراق را تهدیدی برای حوزه خلیج فارس دانست و اقدامات و تدابیر عربستان سعودی برای جلوگیری از بروز تشنج در منطقه سال جاری را مورد تأیید قرار داد.

مصوبات بی سابقه کنفرانس مورد بحث در باره جنگ ایران و عراق و محکوم کردن رژیم ایران به خاطر طراد جنگ و ماجراجویی و تشنج آفرینشی در منطقه، حاکی از آن است که رژیم امپریالیستی در میان کشورهای خلقی مسلمان منقلقه که عا عیسبه "مدور انقلاب اسلامی" به آنها وارد، روز به روز منزوی تر می شود و بیرومی با رژیم جمهوری اسلامی به حدی بی اعتبار است که نه تلاش های دیپلماتیک

و تضعیف جنبش خلق فلسطین بپوشاند.

کنفرانس اخیر سران عرب در الجزایر در واقع یک پیروزی سیاسی برای جنبش مقاومت فلسطین، سازمان آزادیبخش فلسطین و همه نیروهای صلح دوست و ترقی خواه منطقه و یک شکست سیاسی برای امپریالیسم آمریکا، در جناح منطقه، جنگ طلبان و عوام فریبان حاکم ایران است. به گونه ای که مساله های آنها در منطقه، آب به آسیاب آمریکا می ریزد و در خدمت اهداف صهیونیستی است.

سیاست‌های نابخردانه و مالک‌پسندانه رژیم خمینی به‌خاطر حمایت از مالکان و سرمایه‌داران و سرمایه‌داران ارضی، بی‌برنامگی و بی‌کفایتی و اختصاصی‌انگاری به‌جنگ، وضعی فلاتک با روغیگر قابل تحمل را به‌دفعان در زمینکش کشورها تحمیل کرده است. تولیداتندک دهقانان خردی، حتی کفاف نیازهای خانوادگی آنها را نمی‌دهد و دست‌ساز زندگی آنان، در جدی با ورنگردنی تنزل کرده است. هر سال بخش مهمی از نیازهای غذایی کشور از خارج وارد می‌شود و تولید اغلب محصولات اساسی کشاورزی از مصرف داخلی به‌مراتب کمتر است.

سیمایی از روستا در جمهوری اسلامی

وپرونده‌سازی برای مردم‌مشغولند. روزنامه‌ها حکومتی کبیان مجبور به اعتراف شده است که: "ما به‌دفعات تا حد آن هستیم که در گوشه و کنار کشورمان عضو ارتش و اعضای روستاها به قتل رسیده‌اند و به‌وسیله عتار مرعده مالکان، مورد ضرب و شتم و آزار قرار گرفته‌اند و بی‌تجدید به قتل شده‌اند". این‌ها نمونه‌های کوچکی است که روزنامه‌های حکومتی ده‌گاه مجبور به اعتراف آن می‌شوند تا شاید مسئولان را به‌چاره‌اندیشی برای حفظ رژیم‌مسلط وادارند. اما وضع در روستاها که کشور به‌مراتب فاجعه‌بارتر از آن است که مطبوعات رژیم‌تنگ‌کاس می‌دهند. همین مختصر نیز پیردا دادعا با و دروغ‌پردازی آخوندها، یعنی برحما پنا از "مستضعفان"، خودکفائی کشاورزی و گزارش‌های دیگری که سال‌هاست به زبان می‌رانند، برمی‌دارد. کمبودهای بسیار در عرصه تولیدکشاورزی و بی‌دوامی کند، وضع طوری است که وزیر کشاورزی خمینی در پی این به‌دفعان در فروردین ماه ۶۷، ضمن عجز و لایه‌وطلب بخشش از آن‌ها، مجبور شد اعتراف کند که در زمین‌ها مین نهادهای کشاورزی و ابزار کار روستاها که به‌موقع و به‌اندازه کارگزار نیازی تولیدی و غیرتولیدی دهقانان، ارگان‌های گوناگون حکومتی فعال در این عرصه، با موفقیت بوده‌اند، و افزود این مسائل هنوز مشکلات بزرگ کشاورزی کشور است. این در حالی است که رژیم‌مسلط سال‌هاست اعلام کرده است، که پس از جنگ به اصطلاح بیشترین اولویت را برای کشاورزی قایل است. رژیم‌پی برنا موده‌ای کشاورزی جمهوری اسلامی با ایجاد معطلات و تنگناهای "قانونی" برای دهقانان، با عدم همکاری و هرج و مرج در کارها و ارتش‌های کشاورزی و کج‌بهداشته‌ها، در تولید محصول، منگ‌تراشی می‌کنند. حتی آفرینند. همه‌فعلات با ارگان‌ها و ادارات جمهوری اسلامی در روستاها که کشور، مصروف تبلیغ و ترویج جنگ و بی‌برنامگی و بی‌دوامی است. به "برکت" جنگ ارتجائی می‌دهند تا که هم‌رسیده پرونده‌های اعرائی و خدماتی و تحقیقاتی در روستاها تعطیل شده است. تولیدات کشاورزی و صنایع کشاورزی و صنایع دستی را هم از بین بردند و آموزش کشاورزی، آزرنا مده‌تریز برای

افزایش تولید، از مین علوفه و اصلاح نژاد دام، از آموزش شیوه‌های استفاده از سموم کود، خبثی نیست. هیچگونه اقدامی در جهت احیا و حفاظت صنایع طبیعی صورت نگرفته و نمی‌گردد. به‌یافته‌ترین هرج و مرج در تشخیص اعتبارات بانکی و وام به‌کشاورزان به‌ششم خورد. وام‌های حاصل شده توسط بانک‌های تخصصی به‌طور عمدیه‌به مالکان بزرگ، افراد صاحب نفوذ و وابسته حکومت، تعلق می‌گیرد و دهقانان از آن محرومند. صیادان و کارکنان روستاها خود را می‌بینند

و احوال را می‌تولیدی مشاع، اغلب روندا زهم‌پاشی و تلاشی را می‌گذرانند. به‌علت عدم مین نیازهای تولیدی و ابزار کار روگذاری نامرغوب ترین زمین‌ها را می‌باید، توسط دولت، تولید بیشتر در این واحدها اقتصادی نبوده و دهقانان کسار در واحدهای مشاع را رها کرده و به‌خیل مهاجریستن روستا می‌پیوندند. سیاستی که رژیم‌خمینی تحت عنوان، "جلبب فعالیت و سرما به‌گذاری مردم را در بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن" اعلام داشته و پیش می‌برد، سیاستی است مبنی بر ارائه تخصصی اعتبارات کلان به زمین‌داران بزرگ و سرما به‌گذاری از زمین‌داران مرغوب ترین زمین‌ها در اختیار آنها قرار گرفته است. این سیاستی است در حمایت از زمین‌داران بزرگ و ایجاد زمین‌مناسبت برای چپال و بل‌زهم بیشتر در سطح دهقانان زمینکش. این اسکارنا مده رژیم‌فقهی، وضع به‌گونه‌ای است که حال دیگر، جناح‌های درون حکومت، هر یک گنا را به گردن دیگری می‌اندازد و یکدیگر را ایجاد وضع موجود و پشتیبانی از ارباب و فحاش متهم می‌کنند. اما برحما پنا و مردم‌بینی ما پوشیده نیست که مسئول اوضاع فاجعه‌بار کشاورزی در شهر و روستا، چه در مرکز و کج‌بهداشته، کل رژیم جمهوری اسلامی است. این رژیم جنگ آفریننده آزادی کش، مسئول همه فحاش و نابسامانی‌های کشاورزی است. و تنها راه‌حالی از این وضع، مبارزه متحد و متشکل همه مردم علیه رژیم ارتجائی است. خاک سیردن آن است. این کوبا روزگاری به‌باز زوزه می‌کشد و پس از ۹ سال دوباره و قیاحا نه‌وعسودن اصلاحات ارضی می‌دهد، برای قریب مردم و می‌سودن راندن حریف خود از زمین رقابت و جنگ قدرت است. دهقانان که زمین‌ها را به‌تجربه خویش درک کرده‌اند که "این اما مزاد معجزه نمی‌کند". □

دریغ شکست‌های تازه ... بقیده از صفحه اول

مقیاس گسترده‌ای از دست‌داده‌است. فرار سربازان روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود. نگرانی رژیم را به طوری برانگیخته‌است. در فاجعه، سیاست‌مداران خمینی با شتاب و بدون مقاصد جدی گریختند. بی‌ماندن مقدس‌پرستی صدمات دست‌آورده و حتی لوازم شخصی سیاست‌مداران نیز شنیدنی در شلمچه، بی‌انگیزه و روحیه نیروهای نظامی ایران، به‌ویژه پس از شکست غیرمنتظره‌ها و است. اعتراض و مقاومت غیرمنتظره‌ها مسلح و به‌ویژه سربازان گسترش یافته‌است. نا فرمانی و سرپیچی از دستورات مقامات مافوق، علی‌الخصوص به هنگام محلات، هر روز بیشتر می‌شود، به‌علاوه نااهم‌گویی میان نیروهای مختلف (ارتش، سپاه و بسیج) نیز ادامه دارد. برای مقابله با این وضعیت، جلال‌جماران فرمان "طاعتیادگاه‌ها را نظامی" را صادر کرده است. فرمانی که با دیده‌دست رفسنجانی جنایتکار با زداشت و شکنجه و تیرباران متحدرین اجرا کرده.

انتخاب رفسنجانی و تلاش‌های گسترده به منظور بسیج نیروهای سوسیالیست تکرار می‌شود. جنگ و از سوی دیگر نشان‌دهنده نگرانی رژیم از شکست‌های احتمالی آینده و فرجای بدون خمینی است. رژیم‌شتاب‌زده می‌کوشد وضعیت از دست‌رفته تعرضی خود را با زیاده‌گویی - دویس‌روزی روحیه در هم شکسته نیروهای خود را تقویت کند. رژیم برای ادامه جنگ، در موقعیت ضعیفی قرار دارد و هر روز با دشواری‌های بزرگ‌تری روبرو می‌گردد. شکست‌های سنگین اخیر در جبهه‌ها نشان‌دهنده ضعف و ناتوانی فقهی است. خبر رفسنجانی و ننه دادگاه‌های نظامی است. می‌تواند رژیم را از تلاقی که در آن فرورفته است، نجات دهند. بر چنین بستری است که نا رضایتی مردم هر روز گسترده‌تر می‌شود و بر با بعد از زاده‌ها فرسوده می‌شود. این مبارزه است که ریشه‌های این رژیم را خواهد سوزاند و بر جنگ فقه‌پایان خواهد گذاشت. با بدرکدام به‌سیم خود، این جنبش را برای دهم‌ویا هروسیله‌ای که در اختیار داریم، این مبارزه را تقویت کنیم. کلیت‌مصلح در دست خود مردم است. □

فاجعه اعتیاد و عوام‌فریبی‌های رژیم

خبرگزاری رژیم خمینی چندی پیش نتایج انتخابات "دادسرای انقلابی" درباریه اصطلاح مبارزه با موادمخدر را انتشار داد و اعلام کرد که طی سال گذشته ۳۸ تن موادمخدر توسط باسداران کشف گردیده‌است. البته آمار فوق تنها بخش کوچکی از میزان مصرف موادمخدر در جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد. همین آمار رسمی نیز نشان می‌دهد که چگونه در جمهوری اسلامی، بسیاری از مردم، به ویژه جوانان و نوجوانان، به‌کام اعتیاد در غلغلیده‌اند. در جمهوری اسلامی که کالاهای نظیر برنج، شکر، قند، چای و ... به سختی به‌دست می‌آیند، موادمخدر می‌تواند به‌وفور یافت می‌شود. طی نزدیکی به ده سال تلافیت خمینی، به‌موازات گسترش فقر و آفات فراوان اکثریت مردم، اعتیاد دنیسه به‌طوری‌سابقه‌ای گسترش یافته‌است. نگاه به به‌آمار را کرده‌اند طرف مقامات ذی‌ربط به‌خوبی حقیقت فوق را ثابت می‌کنند:

روزنامه‌های رژیم، نتیجه‌فعلات "بگان‌های مبارزه با موادمخدر" ژاندارمری را از آغاز سال ۵۸ تا او خرسال ۶۱ چنین اعلام کردند: دستگیری ۸۵۹۹ نفر به‌مقامت چاق موادمخدر، کشف و ضبط ۲۶ هزار کیلوگرم، ۱۵۹ کیلوگرم، ۷۲۴۴ کیلوگرم شیش، ۵۴۷ کیلوگرم، ۲۸۵ کیلوگرم، حدود شش‌ده‌هفت‌ماده‌ها و سال ۶۲، برآیسی ۳۸۱۲ نیل، ۳۳۵۵۷، ۱۵۵۵ کیلو، حشیش ۳۸۱۱ کیلو، ... بوده‌است. مقایسه دو نمونه به‌فوق، نشان‌دهنده این است که اعتیاد تنها به‌بسیار گسترده‌است، بلکه در عین حال با بعد از سی‌ساله‌ای بزرگ‌حال گسترش است.

هم‌اکنون میلیون‌ها تن از هموطنان ما، به‌بسیار و جوانان و نوجوانان در دام اعتیاد گرفتارند. بیرون‌بسیاری از خانواده‌ها در اثر اعتیاد از هم‌سسته‌است. آتش‌بندگاری شوهر شده است که بی‌برخی‌ای قانات دولتی و نما پنداری در مجلس فرمانی نیز جور به‌اعتراض گشته‌اند. طبق اعتراف نمایندگان

می‌دانند. □

پیام همبستگی احزاب برادر و سازمانهای ترقیخواه

نامه اعتراضی نمایندگان جوانان جهان

از پیام حزب کمونیست ترکیه

رفقای عزیز!

ما اعدام رفیق انوشیروان لطفی را توسط رژیم جنایتکار خمینی شدیداً محکوم می‌نماییم. رفیق لطفی یک سمبل مقاومت و مبارزه در راه آزادی و دمکراسی بود. خلق ما و حزب ما این رفیق را به خاطر شخصیت برجسته‌اش می‌شناخت، وی در قلوب ما جای برجسته‌ای دارد. آنها قادر نخواهند بود در مقابل مبارزه مردم و کمونیست‌های ایرانی مقاومت نمایند... ما یک بار دیگر حمایت نیروهای دمکراتیک و مترقی کشورها را در حزب کمونیست ترکیه را از سازمان شما اعلام می‌داریم.

از پیام حزب کمونیست پاکستان

... حزب کمونیست پاکستان و خلق‌های زحمتکش پاکستان، مراتب تسلیت خود را به مناسبت شهادت رفیق انوشیروان لطفی، عضو و رهبر، س. کم، به شما و همه خلق‌های زحمتکش ایران تبریک می‌دارند و صدای اعتراض خود را یکجا با تمام خلق‌های صلح‌دوست و عدالت‌خواه بلند می‌کنند تا به قتل عام مبارزان صدیق که مدافع منافع مردم ایران می‌باشند، خاتمه بخشد و زندانیان سیاسی را رها سازد و آزادی‌های دمکراتیک و بشری مردم ایران را احیا کند.

از بیانیه مطبوعاتی

حزب کمونیست هندوستان

دبیرخانه مرکزی حزب کمونیست هندوستان در برابر رفیق انوشیروان لطفی فرزند برجسته خلق ایران، انقلابی دلیر، و رهبر والای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سر تعظیم فرود می‌آورد.

رفیق لطفی به خاطر نقش دلآورانه‌اش در دفاع از دستاوردهای انقلاب فدا میریالیستی - مصلحتی و خلق ایران توسط رژیم خمینی اعدام گردید، آنها او را زندانی کردند و تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار دادند تا روحیه‌اش را بشکنند و سرانجام او را اعدام نمودند. رفیق لطفی به خاطر اینکه در راه پیشرفت انقلاب می‌رزید به شهادت رسید.

از بیانیه مطبوعاتی

حزب کمونیست هندوستان (ما رکیست)

هیات سیاسی حزب کمونیست هندوستان (ما رکیست) مراتب خشم و نفرت عمیق خود را از رژیم خمینی به خاطر اعدام رفیق انوشیروان لطفی رهبر برجسته سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در زندان را اعلام می‌دارد.

حزب کمونیست هندوستان (ما رکیست) دولت هندوستان، سازمان ملل متحد و افکار عمومی جهان را فرا می‌خواند که با فشار به رژیم ایران باعث شوند که این رژیم حداقل حقوق بشر را در مورد زندانیان سیاسی ایران مراعات کند.

از نامه کنفدراسیون عمومی کار (ث. ژ. ت.) بزرگترین سندیکای کارگری فرانسه به سفیر جمهوری اسلامی در فرانسه

آقای سفیر، بدینوسیله از شما می‌خواهیم که انزجار برانگیخته شده در بین کارگران فرانسه از اعدام‌های جدیدی که در مورد دگراندیشان در زندان‌ها صورت گرفته است را فوراً به دولت خود اعلام نمایید.

همچنین ث. ژ. ت. اعدام انوشیروان لطفی عضو مشاور هیات سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را محکوم می‌کند.

ث. ژ. ت. از دولت شما می‌خواهد که خود را با قوانین بین‌المللی درباره احترام به حقوق بشر تطبیق دهد و احترام به مقام انسان را رعایت نماید.

قطع فوری شکنجه و بدرفتاری‌های غیرقابل توصیفی که زندانیان سیاسی در کشور شما قربانی آنها هستند و همچنین آزادی بی‌درنگ همه مخالفین دیکتاتور خون آشام که به مردم ایران تحمیل شده است، خواست ما است....

اعدام رفیق انوشیروان لطفی نفرت جهانی علیه رژیم فقها را گسترش بیشتری داد. احزاب و سازمان‌های دمکرات و ترقیخواه، اتحادیه‌های کارگری و ده‌ها شخصیت آزادیخواه در سرتاسر جهان با ارسال پیام‌های همبستگی برای سازمان و نامه‌های اعتراضی به مقامات رژیم خمینی به این عمل جنایتکارانه اعتراض نمودند. برخی از این پیام‌ها عبارتند از:

هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران جنایت هولناک جدید رژیم ج. ا. ا.، عضو سازمان رفیق قهرمان، انوشیروان لطفی، عضو و رهبر هیات سیاسی سازمان برادر، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، را با خشم و نفرت محکوم می‌کند. رفیق انوشیروان لطفی، که در شکنجه‌گاه‌های "ساواک" نیز از سابقه مقاومت دلیرانه برخوردار بود و با انقلاب زندان‌ها رهائی یافت، بیست و پنج سال شکنجه در سیاه‌چال‌های جمهوری اسلامی روز پنجشنبه پنجم خرداد ماه تبریک را نداشت. رژیم خون آشام، که پایه‌های قدرت خود را بر زندان شکنجه و اعدام بهترین فرزندان خلق بنا نهاده است، به عیب می‌کوشد تا با ریختن خون پرچمداران خشم‌خلق، فدائی و توده‌ای و دیگر رزمندگان راه آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، باطنیان توفان زای ناراضی‌های خلق از رژیم استبداد قرون وسطائی ولایت فقیه مقلد کند. این خون‌های پاک حکم قاطع حکومت رژیم رویه زوال ولایت فقیه است. هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، به نام همه اعضا و هواداران حزب، در برابر این جنایت وحشیانه، همسردی عمیق خود را با رفقای کمیته مرکزی و اعضا و هواداران سازمان برادر و بستگان رفیق شهید ابرازی می‌دارد.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران خرداد ماه ۶۷

از پیام کمیته مرکزی

حزب دمکراتیک خلق افغانستان

... ما معتقد هستیم که سرکوب، شکنجه و اعدام نیروهای انقلابی و طرفداران صلح و آزادی در ایران عمل فدا ناسی و ضدبشری بوده و خشم و انزجار بیشتر از پیش خلق ستمدیده ایران را برمی‌انگیزد. حزب دمکراتیک خلق افغانستان در کنار همه نیروهای انقلابی و وطن پرستان ایران، اعدام رفیق انوشیروان لطفی را محکوم نموده و صدای اعتراض خویش را به رژیم ایران و به خاطر نجات زندانیان سیاسی در آن کشور بلند می‌نماید.

از پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

... اعدام مبارزان جوان مردمان رفیق مبارزان، انوشیروان لطفی، عضو و رهبر هیات سیاسی سازمان برادر، و فرزند دلیر و وفادار خلق ایران، نماند و عمیقاً در ما برانگیخت، و ما این جنایت وحشتناک را محکوم می‌نماییم.

و در این مناسبت، بار دیگر، همبستگی خود را با جنبش کمونیستی و سایر نیروهای مترقی و میهنی ایران و با همه رزمندگان مردم زحمتکش ایران، در راه آزادی و نجات جان زندانیان سیاسی و تحقق سایر آرمان‌های وای خلق ایران، ابراز می‌نماییم.

حزب کمونیست شیلی

خلق شیلی علاقه مند است تا از طریق حزبش حزب کمونیست شیلی، بهترین دروهای رزمندگان همبستگی خود را به تمام زندانیان سیاسی ایران اعلام کند و بر قصد بازگشت نا پذیر خود در جهت ادامه مبارزه علیه حقوق پایمال شده خلق‌های تحت ستم امپریالیسم مجدد تاکید نماید. خلق‌های متحد ایران و شیلی هرگز شکست نخواهند خورد.

رادیو ایران در روز شنبه ۱۹۸۸/۵/۲۸ به نقل از روزنامه کیهان اعلام کرد که انوشیروان لطفی عضو رهبری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در روز جمعه ۱۹۸۸/۵/۲۷ در تهران اعدام شده است.

ما امضا کنندگان زیر علیه جنایت اخیر خمینی اعتراض می‌کنیم و از خواست‌های زیر پشتیبانی می‌کنیم:

- لغو احکام اعدام علیه همه زندانیان سیاسی
- آزادی همه زندانیان سیاسی

- * نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان (فدرال)
- * سازمان جوانان کمونیست شوروی (کموسمول) - استونی

- * سازمان جوانان سوسیالیست آلمان دمکراتیک
- * جبهه فارابوندومارتی و جبهه دمکراتیک السالوادور

- * جوانان جبهه خلق برای آزادی فلسطین
- * سازمان جوانان کمونیست سوئد
- * اتحادیه جوانان هلند
- * سازمان جوانان کمونیست بریتانیا
- * سازمان جوانان سوسیالیست نیکاراگوئه
- * سازمان جوانان کنگره ملی آفریقا
- * کمیته جوانان لایبر ایرلند
- * جوانان اینترستا میا ایتالیا
- * سازمان جوانان اتیوپی
- * کلکتیو جوانان اسپانیا (م. ل)
- * سازمان جوانان کمونیست شیلی
- * فدراسیون دانشجویان دمکرات پاکستان
- * جوانان دمکرات فلسطین
- * اتحادیه دانشجویان اردن
- * اتحادیه دانشجویان عراقی
- * جوانان انقلابی خلق ترکیه
- * اتحادیه جوانان کارگر ترکیه
- * اتحادیه جوانان برای آزادی ترکیه
- * اتحادیه جوانان پیشرو ترکیه
- * اتحادیه جوانان سوسیالیست ترکیه
- * مطبوعات جوانان آلمان.

نامه اعتراضی اتحادیه ضدفاشیستی آلمان

ما از این اقدام ضدبشری شدیداً منزعجیم. ما بعنوان یک سازمان، ضدفاشیستی که به مسایل قربانیان دهمنفی هیتلری می‌پردازیم و میراث آنان را پاس می‌دارد، از دولت کشور شما می‌خواهیم:

- به شکنجه و اعدام‌ها در زندان‌ها پایان دهید و زندانیان سیاسی را آزاد کنید.
- حقوق بشر که پس از پیروزی بر دیکتاتوری هیتلر در سراسر جهان اعتبار یافته باید در ایران نیز رعایت شود.
- ما انتظار داریم و امیدواریم این سخنان گوش شنوا داشته باشد.

روزنامه پرچم سرخ

حزب کمونیست بلژیک در شماره ۹ ژوئن "پرچم سرخ" ارگان حزبی در مقاله‌ای چنین نوشته است:

یک هفته است که انوشیروان لطفی از مسئولین و رهبران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در تهران اعدام شده است. پس از پنج سال شکنجه‌های روحی و جسمی در زندان خمینی، فشارهای بین‌المللی این حکم را به تاخیر نیانداخت. اکنون پشتیبانی بین‌المللی از زندانیان سیاسی ایران به ضرورتی عاجل بدل گشته است.

روزنامه وارهائیت

در شماره اول ژوئن نشریه "وارهائیت" ارگان حزب سوسیالیست متحده برین غربی پیرامون بسته شهادت رسیدن رفیق لطفی آمده است: لطفی، مظهر مقاومت علیه رژیم شاه و خمینی، عضو رهبری فدائیان خلق بود و از پنج سال پیش زندانی بود. ناظران در قتل لطفی آغاز موج جدیدی از اعدام‌ها در ایران را پیش‌بینی می‌کنند. جان هزاران اسیر در سیاه‌چال‌های ایران در معرض خطر جدی است.

فریاد اعتراض ایرانیان در سراسر جهان

ایرانیان آزادخواه در سرتاسر جهان به اشکال متنوع نفرت خود را از اعدام فرزند دلیر مردم ایران نوشیروان لطفی اعلام کردند. این اعتراضات در نشریات و خبرگزاری‌های کشورهای مختلف انعکاس یافت و نفرت جهانیان را از جنایات سنگین رژیم موجب شد.

در روز ۱۷ خرداد در شهر کلن در آلمان فدرال گروهی از هواداران سازمان و دیگر ایرانیان مقیم این شهر در اعتراض به اعدام رفیق لطفی و حمایت از زندانیان سیاسی ایران به اعتصاب غذای سه‌روزه مبارت کردند. این اعتصاب مورد حمایت سازمانها و احزاب مترقی این کشور قرار گرفت و وسیعاً در نشریات و خبرگزاری‌ها انعکاس یافت. در شهرهای آلمان فدرال در روز ۲۰ خرداد در برابر سفارت جمهوری اسلامی تظاهرات انجام شد. در انگلستان نیز در همین روز در اعتراض به جنایات رژیم تظاهراتی در برابر سفارت ایران در انگلستان صورت پذیرفت. در روز ۲۷ خرداد در کشور سوئد هواداران سازمان در شهر استکهلم به مدت سه‌روز به منظور نشان دادن انزجار خود از اعدام رفیق لطفی اعتصاب غذا نمودند. در پاریس هم برای بزرگداشت رفیق و محکومیت رژیم خمینی مراسم در روز ۲۰ خرداد برگزار گردید. در دانمارک بلژیک و اتریش نیز هواداران سازمان و ایرانیان آزادخواه مقیم این کشورها به تظاهرات اعتراضی مبارت نمودند.

اعتراضات وسیع ایرانیان از کشور در افشای رژیم خمینی و جلب حمایت از مبارزات زندانیان سیاسی و مردم ایران مورد حمایت افکار عمومی این کشورها و همه آزادی‌خواهان جهان قرار گرفت.

بگذار تا سپیده برآید

قطعه‌ای از شعر "در بند بپلوی" سروده شاعر انقلابی، رفیق شهید، سعیدسلطانپور، عضو سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، را در مورد آزاده‌ای که قلب عاشق و جان شعله‌ورش به راه خلق در خون تبید، "بدری" که بر خاک نما ندواز "قلب خاک" بالید و شگفت. یا دش‌گرمی یاد.

... بگذار تا سپیده برآید

بگذار با سپیده ببیند

پشت مرا به تیر

بگذار تا برآید "آتش"

بگذار تا ستاره شلیک

دیوانه‌وار بگردد ز کهکشانی خون

خون شعله‌ور شود

بگذار باغ خون

بر خاک تیرباران

پرپر شود

بگذار ریزد "تیر"

چون جنگلی برآید در آفتاب خون

فریاد گرشود

این بذرها به خاک نمی‌ماند

از قلب خاک می‌شکند چون برق

روی فلات می‌گذرد چون رعده...

زندانی سیاسی

آزاد باید گردد!

اعتراض سازمان عفو بین‌الملل

عفو بین‌الملل با ردیگر رژیم خمینی را به خاطر نقض حقوق بشر، لگدمال کردن ابتدائی‌ترین موازین شناخته‌شده حقوق مدنی و اعدام مجساران راه‌صلح و آزادی محکوم‌کرد. در اطلاعیه این سازمان رسمی حقوق بشر که در لندن انتشار یافت، از اعدام خمینی، روزمنده‌ها، مدار صلح و آزادی، رفیق سقوشیروان لطفی، و مجساران خلق حجت محمودپور، عضو "اتحادیه کمونیست‌های ایران" و حجت‌الله محبوبی، عضو "سازمان مجاهدین خلق ایران" عمیقاً ابراز ناسف شده است.

عفو بین‌الملل در اطلاعیه خود تصریح نمود که علاوه بر اعدام‌های اعلام‌شده، هزارها مجساران زیادی به دست رژیم در ایران، مخفیانه به شهادت می‌رسند. در اطلاعیه، از اعضای این سازمان‌ها خواسته شده است که نسبت به جنایات رژیم خمینی اعتراض کنند.

عفو بین‌الملل، همچنین دستگیری شش تن از اعضای "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" را محکوم نموده، آزادی قوی آن‌ها را خواستار شده است. عفو بین‌الملل علت این دستگیری‌ها را مخالفت جمعیت مذکور با سیاست جنگ طلبانه رژیم دانسته است.

این اولین بار نیست که رژیم‌ها را محکوم می‌شود. هیچ رژیم دیگری همانند رژیم قرون وسطائی "ولایت فقیه" به این شکل، به دست‌های متعدد و در قیام‌زادانی کوتاه از سوی سازمان‌ها و مراجع بین‌المللی حقوق بشر

در راه عادی کردن اوضاع آنگولا

حل مسالمت‌آمیز درگیری در جنوب آفریقا، هدف مذاکرات چهار جانبه‌ای بود که در نیمه اول اردیبهشت ماه، بین آنگولا و کوبا از یک سو و آفریقای جنوبی و ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر در لندن برگزار شد. مذاکرات آفریقای جنوبی و امبریا لیسام در مورد اخلای آنگولا، بلافاصله پس از استقلال این کشور (۱۹۷۴)، سابقیت گروه‌بندی‌های مخالف رژیم، و نیتا و فلتا، آغاز شد. جبهه‌ها و نیتا، همچنان با کمک‌های مالی و نظامی هنگفت امبریا لیسام آمریکا و آفریقای جنوبی در بخش‌های جنوبی آنگولا، به فعالیت خود علیه دولت آنگولا ادامه می‌دهد. این جریان ارتجاعی در سال‌های اخیر فعالیت خود را با کمک‌های تازه‌ای، تقویت کرده است. اما "فلتا" از ستیز نظامی با دولت دست کشیده و جابجا معاند آنگولا شده است.

در برابر ارتجاع و زگری نیروهای مرتجع، از چند سال پیش، انترناسیونالیست‌های نا و طلسم کوبا با کمک مردم آنگولا تلاش کردند، در نتیجه این همبستگی فعال و انقلابی، پیشروی متجاوزین وابسته به امبریا لیسام در این کشور، تا کنون شکست خورده است. ولی جریان زندگی عادی در بسیاری از مناطق کشور، همچنان در اثر توجرات و جنایات رژیم‌ها، دیرینه است. همواره با دست‌های سنگین، نیتا و فلتا تلاش و حملات هوایی به مناطق جنوب آنگولا، دچار اشکال است. اما معاندگیری‌ها و جنگ داخلی، تا ثرات زیانباری در روند مبارزاتی کشور در سال‌های پس از انقلاب داشته است.

رهبران آنگولا کوبا که از مدت‌ها قبل، پیشنهاد خروج تدریجی و کامل کوبا را در جهت حل مناقشه مطرح کرده بودند، مبتکران اصلی برگزاری کنفرانس لندن می‌شوند. اما زمینه‌برگسازری مذاکرات در گفتگوهای رهبران اتحاد شوروی و آمریکا در مورد حل مسالمت‌آمیز درگیری‌های منطقه‌ای مهیا شده است.

هیات‌های نمایندگی آنگولا و کوبا در مذاکرات اخیر لندن در پی توافق بوده‌اند که اعطای استقلال به آفریقای جنوب غربی (نا می‌ی) بر اساس قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت سازمان ملل و نیز قطع مذاخه در مورد اخلای آنگولا تضمین کنند. "خورخه زینک"، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کوبا و رئیس هیات نمایندگی کوبا، در مذاکرات لندن، اعلام کرده است که ما موریت نیروهای ما را و طلب کوبا می‌در آنگولا، تضمین استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت این کشور است. هرگاه این هدف‌ها تأمین شود، انترناسیونالیست‌های کوبا، به میهن با زخوها هندگشست.

از سوی دیگر، دستیار روزبیرا مورخا رجا آمریکا، در مورد آفریقا، ضمن تأکید بر "اینکارتیسم" از دیدگاه تیگ، اعلام داشت: "مناسبات آمریکایی و

محکوم نشده است. این امر نه برای مردم میهن ما که در چندین فقره گرفتار آمده‌اند، نه برای بشریت ترقی‌خواه که هر روزها هدرسکوب و حتی نه هرگونه نژاد ملی و طبقاتی، و متزقی مردم ایران به نایب‌بودن تمام میزبان ملی و متزقی مردم ایران به دست ارتجاع قرون وسطائی را مشاهده می‌کنند، نا منتظر در شگفت آور نیست.

رژیم‌ها بیکار رخمینی، همواره کوشیده است که محکومیت‌های مکرر و در پی خود را با تبلیغات عوام‌فریبانه و به اصطلاح "فدا مبریا لیسیتی" توجیه کند. اما بر ملا شدن زدوبندهای فدائی آخوندهای حاکم امبریا لیسیت‌ها، و حتی عوام‌فریبی‌های "فدا مبریا لیسیتی" رژیم ارتجاعی رنگ کرد و بر سر توده‌های مردم میهن ما بیش از پیش روشن شد که اعدا و قهرمانان نظیر نوشیروان لطفی که بیست سال عمر مبارک و تمام هستی خود را در پیشکارت علیه امبریا لیسوم و برای صلح و آزادی، نیتا، داده‌اند، به هیچ‌گونه عوام‌فریبی "فدا مبریا لیسیتی" قانسبل توجیه نیست. این جنایت سیاسی، قبل از هر چیز، بی‌مروتکاری سران رژیم را از آینده خود، منعکس می‌کنند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن قدردانی عمیق از همه‌سا زمان‌ها و مجامع بین‌المللی، احزاب و شخصیت‌های صلح‌دوست و مترقی جهان، اعدا و رفیق کبیرا نوشیروان لطفی، عضو مشا و رهبران مبارک سازمان، به دست رژیم جنگ طلب و آزادی‌کشی سیاسی را محکوم نموده‌اند، از همه آنها طلب می‌نمایند که به مسا عدت و پشتیبانی از بیکار مردم ایران برای رهایی از تسلط رژیم قرون وسطائی "ولایت فقیه" و استقرار صلح و آزادی در پیش‌ان بیا فزاینده و منور را محکوم نموده‌اند، از پیش‌ان رژیم تشبیها روضه‌بشری، در افکار عمومی جهانی، به نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه ایران یاری رسانند.

"اونیتا"، در مذاکرات چهار جانبه، جای بحث ندارد. ما قصد نداریم روابط خود را اویتا را قطع کنیم. قابل توجه است که در رابطه با مسئله افغانستان نیز چندین رویش، سخنگوی کاخ سفید اعلام داشت که روابط و کمک‌های نظامی خود به نیروهای مسلح مخالف دولت افغانستان را قطع نموده است. اما معاندان او، او را فکرد که اویتا نیروی قابل توجهی دارد و رهبران آنگولا باید خود، با این جریان به توافق برسند.

امریکا باید این ترتیب تلاش را رد، هویتی قانونی و مستقل برای جبهه "اونیتا" دست و پا کند، در حالی که آنگولا، به نیتا و اونیتا، بلک مستقیم، رژیم آفریقای جنوبی و دولت ایالات متحده را در برابر خود می‌بیند.

موضع رژیم‌ها در آفریقای جنوبی، در این میان آشکارا، معاندت بین‌المللی و بی‌خود خودی خود، محکوم است. رژیم آفریقای جنوبی با استقلال "نامی می‌ی" موافق نیست و عملاً قیومست خود را - که در سال ۱۹۴۶ توسط سازمان ملل متحد لغو شد - همچنان بر این سرزمین ادامه می‌دهد. دلیل این امر، وجود نیروی طبیعی عظیم، به ویژه اورانیوم، لاس و مس و نیز به خاطر کنترل یکی از مهم‌ترین فرودگاه‌های آفریقای جنوبی و بالاخره موقعیت استراتژیک آن است. سازمان ملل متحد از مدت‌ها پیش، سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سوا پو) را به عنوان تنها نماینده قانونی مردم "نا می‌ی" به رسمیت شناخت، اما نژادپرستان آفریقای جنوبی با علم به این که در صورت برگزاری انتخابات، طرف برنده نخواهند بود، در سال ۱۹۸۵، حکومت دست‌نشانده‌ای در آن سرزمین به‌کار گرفتند تا تسلط خود را بر جنوب آفریقا حفظ کنند. سران آفریقای جنوبی این خیال را دور سر می‌پرورانند که به کمک مزدوران خود، حداقل بر جنوب آنگولا، تسلط داشته باشند.

رهبران آنگولا، با سیاست خارجی فسمال، پیگیرانه در جستجوی راه‌های قطع جنگ و عادی سازی اوضاع هستند. پس از ملاقات لندن، نیتا و کسان آنگولا آفریقای جنوبی روز ۲۳ اردیبهشت در پایتخت کنگو (برازا ویل) در همین رابطه گفتگو پیدا کردند. مذاکرات چهار جانبه (آنگولا، کوبا، آفریقای جنوبی، آمریکا) نیز به زودی مجدداً و این بار در یکی از پایتخت‌های آفریقا از سر گرفته خواهد شد.

تشنج در جنوب آفریقا، از جمله درگیری‌های منطقه‌ای جهان امروز است که حل هر یک از آن‌ها، منطقاً، به حل مناقشه در برکمنطق (وبه نوبه خود، با تحریف تشنج در منطقه‌ای) کمک می‌کند. امروز، به ابتکار رهبرانی صلح‌دوست جهان و پیش از همه، اتحاد شوروی، تلاش‌های مهمی در این راه صورت گرفته است و ما امیدواری نسبت به حل اصولی این مناقشات را تقویت کرده است. تمام هستی‌های دیپلماتیک اخیر برپا موند مسائل جنوب آفریقا، نیز بخشی از این تلاش‌های سراسری محسوب می‌شود.



برنامه ریزی اقتصادی رژیم!

رژیم آخونداه که مدت ها است با بحران عمیق اقتصادی روبروست، برای خلاصی از آن، تاکنون به یک رشته اقدامات اقتصادی دست زده است. از جمله این اقدامات، "برنامه مریزی" عمومی برای اقتصاد دکتور و تدوین برنامه ها می شخص بسیاری عرصه های مختلف اقتصاد است. اما این به اصطلاح برنامه مریزی رژیم، دستکاری در آخرین برنامه پنج ساله رژیم است که به نام اولین برنامه مسه اقتصاد دی پنجاه جمهوری اسلامی اعلام شده است. برنامه ها و شاخصها، تا ظربرت مین متناقص درشته. دربارها سرمایه داران بزرگ بود که این بار رژیم می خواهد سرمایه داران، منافع آخوندها، سرمایه داران، کلان تاجران را تا مین کند. اولین برنامه مریزی ساله جمهوری اسلامی با سروصدا زیاد اعلام شد، ولی بعد از دربار و نتایج صحبتی نشد. نتیجه از قبیل روشن بود، شکست.

مسئولین حکومتی ادعا می کنند که در عرصه های گوناگون اقتصاد دکتور، برنامه مریزی ها می صورت داده و سیاست های معینی تدوین کرده اند. دربارها برنامه مریزی در بخش های کشاورزی، صنایع و غیره تبلیغات زیاد می صورت می گیرد و شاخصها و اولی داده می شود، اما واقعیت چیست؟ با نگاه به وضع صنایع کشور و برنامه مریزی های صورت گرفته، متأسفانه حدی می توان به نتایج این اقدامات پی برد:

طبق اظهارات وزیر صنایع، "سه منصفیست در تولید ناخالص ملی کشور در سال ۵۶، حدود ۶۶ درصد، سه معدن ۷ درصد و سهم نفت ۴۵ درصد بود" (اطلاعات، ۲۵ مرداد ماه ۶۶). مطابق اظهارات وی، ترکیب کالاهای وارداتی، عبارت بود از: ۶۰٪ کالاهای واسطه ای و ۴۰٪ کالاهای مصرفی. اودر بسیاری تصمیمات دولت در زمینه استراتژی توسعه صنعتی کشور می گوید: "اول اصلاح وضع گذشته (بعد از گذشت ۱۵ سال از انقلاب، تا ز صحت ا زیر برنامه مریزی برای اصلاح وضع گذشته است) و دوم، پی ریزی نظام صنعتی برای آینده". اول باطله اصلاحی را می راد: "در مقطع زمانی برنامه اول پنجاه (منظور برنامه پنجاه است) که سال آغاز آن ۱۳۶۲ (۱۳۶۶) معنی شده، مهم ترین هدف ما سیاست های اجرائی صرفه جویی ارزی است. همه ادعاها و استدلال ها در باره اصلاح وضع گذشته و پی ریزی نظام صنعتی آینده در مرحله اجرا، کنار گذاشته می شود. آنچه در سیاست عملی، اصل و مینا قرار می گیرد، مقابله با کمبود ارز است و در نتیجه آن، برنامه مریزی صنایع بر پایه صرفه جویی ارزی صورت می گیرد، تا بتسویان ارز بیشتری برای پیشبرد جنگ اقتصادی خاص داد. در این برنامه مریزی، وضع گذشته و آینده صنایع کشور، مطرح نیست. نتیجه چنین برنامه مریزی عملی (به خودی خود روشن است، و داده های صنعتی یا باید نظر مسی شوند در خدمت جنگ قرار گیرد و نباید در خطر تعطیل کامل قرار گیرند.

بودجه سالانه کل کشور نیز، نمونه دیگری از این نوع برنامه مریزی اقتصادی است. نگاه به برنامه بودجه کل کشور در سال های حکومت فقها، برآستانه های اصلی برنامه ها می اقتصاد آن را به پتتر است بگوئیم، بی برنامه گی اقتصادی آن را نشان می دهد. همه ساله به هنگام ارائه لایحه بودجه به مجلس و سپس در جریان بررسی آن، از شش فقره که تحت رهبری آخوندها با بصورت گیرد، داد سخن می دهند. اما در عمل چیزی جز ورشکستگی اقتصاد دکتور، جز گرانی، کمبود و انت بیشتر سطح زندگی، نصیب مردم نمی کنند. مینای تنظیم بودجه ها بر برنامه مریزی اقتصاد دی در رژیم آخوندها، تا مین هزینه های جنگ است. همین مینا رومینا، عامل جدی تعمیق بحران اقتصاد کشور و به تبع آن، وخامت روز افزون زندگی مردم ستمدیده میهن ما شده است. در نتیجه مسست دادن اقتصاد دکتور در خدمت جنگ، درآدملی و درآمسد سرانه ها می فته و تولیدات فته کرده و تورم بودجه (۲۵ درصد) به مردم تحمیل شده است.

علاوه بر آن، از آنجا که حفظ رژیم در شرایط آگای روز افزون توده ها از ما هیت مدرد می آن، هر روز مشکل ترمی شود گسترش دستگا های امنیتی و ساواک خمینی را ضروری ترمی ما زد، و از آنجا که چا پیدن هر چه بیشتر مردم و کنترل بیشتر آنها، در گروی گسترش دستگا ها داری و آنها دوا و رگان های جدید است، هزینه چا را سالانه دولت، بر ما لسه افزایش می یابد و سهم بیشتری از بودجه را به خود اختصاص می دهد. بر این اساس، تا مین هزینه های چا را می فزا ینده دولت، از دیگر اصول تنظیم بودجه کل کشور است.

با توجه به کاهش درآمدهای ارزی، به دلیل افت قیمت نفت و کاهش صدور آن و با شین آمدن نرخ دلار، دولت خدمتگزار آخوندها و سرمایه داران قادر نیست هزینه های فوق را بر پایه درآمدهای واقعی تا مین کند و چا را به استقرار سیستم بانکی

روی می آورد، یعنی جهت چیران کسری بودجه به چا با سکناس جدید می پردا زد. این اقدام زارزش ریال میکا هدیه تورم دا من میزند، در عین حال سر نقدینگی بخش خصوصی می فزا ید. علیرغم فزا یش بودجه چا ری، آرا که خدمات دولتی بدتر می شود و در عمل، بخش بزرگی از زمان هزینه خدمات، مجد دانه زحمتگان تحصیل می شود.

هزینه های عمرانی، تنها مورد از هزینه های دولت است که در راستای تولید قرار داشته و اشتغال زا است. بنا به اظهارات نا دی، نما یسنده مجلس، بودجه عمرانی کشور طی سال های ۶۲ الی ۶۷ سیر نزولی داشته است، به طوری که عملکردی آن زده ماه سال ۶۶، برابر نصف عملکرد سال ۶۲ شده است و هزینه های عمرانی سرانه، به قیمت ثابت، از ۱۵ هزار ریال در سال ۵۷، به ۱ هزار ریال در سال ۶۶ کاهش یافته است. این نما یسنده، نتیجه "موجودی سرمایه های فعلی کاهش، استتلاک سرمایه افزایش، امکان اشتغال زایی کاهش و وظیفه های دولت مختل می شود..." (رسالت ۱۱ اسفند ۶۶). چا لب این چا است که همین بودجه عمرانی در حال کاهش نیز، تقریبا هیچوقت به طور کامل مسسل عملگرندند و معمولاً در سطح نا دی و احسدهای بخشی از آن، به بودجه چا ری منتقل می شود.

در زمینه درآمدها، ذکر این نکته ضروری است که از بین بردن وابستگی به نفت، از جمله شعارهای اقتصاد رژیم فقها، بوده است. اما این شعار هم تو خالی بوده و بنا به اعتراف سردمداران رژیم، نقش نفت در درآمدها، بطور مستقیم ۵۰٪ و بطور غیر مستقیم ۱۰٪ است و وابستگی به نفت، همچنان ادامه دارد.

با یاد توجه داشت که این ارقام رسمی است و ارقام واقعی بسیار بیشتر از این است. در زمینه شکست رژیم در قطع وابستگی اقتصاد دکتور به نفت، با بدیهه سیاست افزایش صادرات غیر نفتی کشور آرا هرگز دیده شد. در شرایطی که هیچگونه تلاشی جز شعار دادن بسورای افزایش تولیدات صورت نمی گیرد، محکوم به شکست بوده و شکست نیز خورد. صدور ما بحتاج مردم با قیمت های بسیار نازل و تنها با هدف کسب ارز برای تا مین هزینه های جنگ، سیاست نبوده و هزینه که بتواند وابستگی به نفت را کاهش دهد، این عمل، تنها می توانست مقیدار محدودی ارز، به طور موثقت وارد کشور کند. سیاست های اقتصادی فدا مدرد می رژیم در اینجا نیز امکان دادنا مشتی کلان تا چرا صدور بخشی از ما بحتاج مردم، به آرا زما در دست با بند و با کمک چا ری خود در ارگان های حکومتی، آن را در باره سازمانه بکنند و سودهای کلان به دست آورند. سخن از مالیات زیاد نگفته شده است، اما قانونی برای دریافت مالیات از درآمد های افسانه ای سرمایه داران و تاجر بزرگ وجود ندارد. به علاوه، کاهش درآمد نفت و در نتیجه کاهش واردات سرمایه ها، حاصل از واردات نیز کاسته شده است. اما رقم تمام مالیات در درآمد های دولت مدام افزایش می یابد. بدیهی است که با ر تا مین بخش عمده این ستون از درآمدهای دولت نیز بردوش کارگران و زحمتگان است.

با وجود همه این ها، کمیسه آخوندها، بر نشدنسی است و کسری عظیم بودجه که در واقع بیش از نیمی از بودجه سالانه را تشکیل می دهد، با یستی از سیستم بانکی بردا شده شود. با تشدید تورم، با ر این ستون از بودجه نیز بردوش زحمتگان تنها ده می شود. سیدجن موسوی پور، نما یسنده مجلس ارتجاع، خصوصیات بودجه سال ۶۷ که تها وتی در اصول سیاست بودجه سال های قبل ندارد چنین چنین بنده می کند: "۱- فقدان برنامه کامل و درآمسدت. ۲- گرانی و تورم زائی بودجه. ۳- بالارفتن نقدینگی و بی ارزش شدن پول. ۴- افت اشتغال. ۵- سیر صعودی هزینه های چا ری. ۶- کاهش هزینه های عمرانی. ۷- افت تها سیستم آموزشی. ۸- کسری بودجه. ۹- بافت نا ساله درآمدها. ۱۰- عدم تعادل در توزیع. ۱۱- مهاجرت روستا می" (رسالت ۱۰ اسفند ماه ۶۶).

بیش از ده سال از انقلاب بهمن ۵۷ گذشت و رژیم به اصطلاح چا می "مستضعفان"، چا طی چا دا مه جنگ و خرابی کشور تشدید فقر و مسکنت توده های زحمتکش به بار رنیا ورد. رژیم خمینی نشان داد که قا در نیست مشکلات زندگی مردم را حل کند. رژیم هر روز مشکلات مردم افزوده و در عوض، جیب مشتی کلان تا چر سرمایه داران و تاجران بزرگ را بر کرده است. تبلیغات وسیع در باره رابطه برنامه مریزی اقتصادی هدفی جز فریب زحمتگان از دنبال نمی کند و چا صل آن چیزی جز ورشکستگی اقتصادی میهن ما نبوده است.

حفظ حجاب اسلامی به زور شلاق

"شورای عالی قضائی" در ۲۵ اردیبهشت ماه مواد دیگری از قانون به غایت ارتجاعی تعزیرات و مجازات های اسلامی را تصویب کرد. در نتیجه ماده ۵۲ این "قانون" آمده است که: "زنانی که بدون حجاب شرعی در معا بر و نماز عمو می ظاهر شوند، به تعزیر ۲۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد..."

این نخستین باری نیست که یک چنین قوانین ارتجاعی و خشنی توسط رژیم جمهوری اسلامی تصویب می رسد. رژیم برای سرکوب زنان هر سال اوایل تابستان، بیانه های شدا و دغلاظی صادر می کند که بنا بر آن، زنان با نا بدبا کفن سیاه، به از خانه بیرون گذارند و یا اخلافا نه نشین شوند. جمهوری اسلامی در واقع از کمبود کردن چا مه را از تعزیرات به حقوق زنان آغاز کرد. در خرداد ۴۲ نیز یکی از شعارهای خمینی تحدید آزادی و حقوق زنان بود. تصویب طرح ارتجاعی حجاب اسلامی در مجلس و تحمیل آن به مثابه "قانون"، توهین بسیار بزرگی نسبت به زن ایرانی و به طور کلی نسبت به چا معه ما بود.

کار به این چا خا تمه نیا فت و رژیم بر ما مه کنار زدن زنان از عرصه تولید و فعالیت اجتماعی را به پیش بسرد.

هدف "شورای فرهنگی و اجتماعات" که چندین باری توسط رژیم ایجا شد، تشدید محروم کردن زنان از عرصه فعالیت تولیدی و اجتماعی بوده است. شورای مربوطه این هدف را با کمک آخوندها، حوزه علمیه قم، نما یندگان وزارت ارشاد اسلامی، نما یندگان سازمان تبلیغات اسلامی، نما یندگان شورای عالی فرهنگی، رئیس مجلس و "نمایندگان زن"، نما یندگان شورای عالی قضائی و گروهی دیگر پیسش می کنند. تدوین طرح خشنی و حشیا نه ۲۴ ضربه شلاق برای دیده شدن تا راز موی زنان، نیز از جمله راه و راه های این چا ماعت است. تبدیل این طرح به "قانون"، درجه بهیبت، درنده خوئی، چها لت و عقب نا ندگی سران جمهوری اسلامی را نشان می دهد. متحمل شدن این شکنجه های حیوانی، صرف نظرا ز جنبه شدید آها تا میزان، به لحاظ جسمانی نمی ممکن است. زن را چنانچه مریض باشد، بکند، اگر نما یشد، ناقص کند و اگر چا مله با شده، چار سقط جنین نما ید.

تصویب قانون ارتجاعی تعزیرات، به و بسزاه تصریح حکم قرون وسطائی به تا زیا نه بستن زنان، نشانده انحطاط کامل و استیصال رژیم تبهکار آخوندی است. تنها یک رژیم منحط و بی آینده می توان ندیده این همه وحشیگری و سببیت "قانونیت" بخشد. توسل به "قانون شلاق" تنها بنا نگر عجز رژیم در برابر مقاومت و اعتراض فزا ینده زنان علیه تحمیلات ارتجاعی است. رژیم که از بنای و آزار و اذیتا نه دسته های حزبه لیبی علیه زنان و "ارشاد" و "ظرفی" (اردوگا هبسی های آزادی) طرفی نیست است، به زعم خود می خواهد با توسل به شلاق، "حجت را تمام کند"، غافل از آنکه با هر ضربه شلاق بر بیکر زنان، میخی بر تا بوت خود خا هذ کوب یسد.

رژیم، در این شرایط که بحران همه چا تبسه گریبا تکبیرا وست، می کوشد با تشدید فشار علیه زنان و توسل به آرا ب و شکنجه آشکارا زنان در خبا یها، چوا ر عا ب پلیسی را در چا معه تشدید کند. در شرایطی که مردم مبارزه علیه جنگ و استبداد را گسترش می دهند، این تشنات و اقدامات مذبحه چا رژیم، راه به چا جایی نخواهد بود و سیاستی که به نفرت انگیز آن را نمایان تر خوا هذ کرد، زنان رنج دیده و آزار ده میهن ما، علیرغم تشدید فشار و سرکوب از یسبای نخواهند نشست و به هر شکلی که بتوانند مقا و مسبت خود را گسترش خواهند داد. بی شک حجاب سیاه تحمیلی، سرانجام، کفن ارتجاع آخوندی خواهد شد.

سربازان و وظیفه! ارتشیان لگت! بسیجی های مخالف جنگ! راه دستیابی به صلح، تنها تشدید مبارزه است، چیه ها را به میدان تبلیغات ضد جنگ و ضد رژیم تبدیل کنید. در عملیات و حملات شرکت نکنید. اخبار مقا و مت پرستو مبارزه زحمتگان در راه صلح و آزادی را در سنگرها پخش کنید. با نزدیکترین و مطمئن ترین دوستان خود هسته های کوچک تا ۳ نفری و کا ملامخفی را تشکیل دهید و فعالیت انقلابی را در چیه ها و با دگانها گسترش دهید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

کنفرانس سران عرب ، تحولات اوضاع خاور میانه

سازمان آزادیبخش فلسطین (س.ا.ف) از زمان و جدت صوف خویش در هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین که سال پیش در الجزیره برپا شد تا کنون گام‌های مهمی در جهت مبارزه خلق فلسطین به پیش برداشته است. وحدت سازمان‌های املی فلسطینی سبب شده است که "س.ا.ف" طی این مدت قادر شود یک فرماندهی مشترک سیاسی - نظامی، متشکل از همه گروه‌های عضو خود، در فلسطین ایجاد کند و جبهه خویش را در این کشور، علیه صهیونیست‌ها مستحکم سازد. این امر همچنین زمینه ساز آن بوده است که "س.ا.ف" با قدرت بیشتری در جهت سازماندهی مبارزه توده‌ای و "تحقق اهداف خلق فلسطین در سرزمین‌های اشغالی مبارزه نماید، و نقش قابل ملاحظه‌ای در تدوین و تقیید فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی ایفا کند. سازمان آزادیبخش فلسطین با همکاری دولت‌ها و نیروهای مترقی در منطقه عربی، توانسته است ضرورت حل و فصل عاجل مسئله فلسطین را یکبار دیگر به طور وسیع طرح و اتحاد و اتفاق نظر، پیش از پیش در جهان عرب، بهیچا من خواست‌های به حق خود پیدا آورد.

وحدت صوف "س.ا.ف"، تلاش‌های نسبتاً موفق آن در برپا آوردن رابطه سوریه و نیروهای ملی و مترقی لبنان، که حمایت و وساطت حکومت‌ها و نیروهای مترقی در جهان عرب و دوستان بین‌المللی فلسطینیان را پیش رفته است، سمت و سوی تغییرات و تحول اوضاع در جهان عرب را به نفع جنبش مقاومت فلسطین نشان داده است. اکنون اوضاع سیاسی نسبت به زمان برگزاری اجلاس قبلی سران عرب در "امان" در اوایل خرداد ۱۹۸۷، به نفع نیروهای ملی و مترقی در منطقه تغییر یافته است. این امر به نوبه خود، باعث شده است که طرح‌های آمریکا برای حل و فصل مسئله فلسطین تا کاملاً نتواند، خواست‌های به حق فلسطینیان در اجلاس اخیر سران عرب در الجزیره مورد تأیید و تصویب کشورهای عربی عضو جامعه عرب قرار گیرد و "س.ا.ف" به یک پیروزی مهم سیاسی در شرایط حساس کنونی دست یابد.

کنفرانس قبلی سران عرب در "امان" در اوایل خرداد ۱۹۸۷، در اوضاع و احوال ویژه‌ای برپا گردید. این کنفرانس در اوج تنش‌ها و آشوب‌های جزیره‌ای رژیم صهیونیستی در خلیج فارس و حضور گسترده و دخالت آمریکا و لیبیا در منطقه تشکیل شد.

امریکا می‌خواست و می‌خواهد با حضور نظامی وسیع و دائمی در خلیج فارس، موقعیت خود را در منطقه‌های وابسته به خود در منطقه تحکیم کند، جلوی رشد جنبش‌های ملی و مترقی در این کشورها را بگیرد و با ایجاد بلوک بندی‌های جدید، تأسیساتی و امنیتی به استراتژی بهین‌بست رسیده است. متحدین عربی در منطقه و در رابطه با جنبش مقاومت فلسطین، به عنوان مهم‌ترین واحدترین مساله خاور میانه که سال‌ها بر مسائل منطقه عربی به سه آن مربوط است، سوریه، لبنان و یمن، به شدت مصلحت‌اندیشانه عمل را در دست گیرد.

شکست طرح کمپ دیویدیه و انزوا کشیده شدن رژیم مصر در جهان عرب، بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های مذبح‌ها در آمریکا و اسرائیل در لبنان در سال ۱۹۸۲ و بعد از آن، عدم موفقیت طرح‌های تکمیلی کمپ دیویدیه که از سال ۱۹۸۳ به بعد از جانب آمریکا و رژیم‌های اردن و مصر برای پیش‌بردن تلاش‌ها شده است، همگی باعث آن بوده است که فلسطینیان با اوضاع جدید ناشی از جنگ ایران و عراق، که زمینه ساز ایجاد صف بندی‌های دیگری در جهان عرب گردیده است، تلاش‌های مجددی را برای متشکل شدن و متحدین عرب خود دست‌دهی به تحولات در منطقه عربی خاور میانه سازمان دهد.

تلاش حکومت‌های مترقی عرب برای آن که مسئله فلسطین در کنفرانس "امان" درحاشیه قرار گیرد و همه وقت و کار کنفرانس تنها به بررسی جنگ ایران و عراق خلاصه شود، با خواست آمریکا در این باره تطبیق نداشت.

در آن کنفرانس نیروهای مترقی و حکومت‌های ملی عرب، بدون هماهنگی و اتفاق نظر و تأیید دولتی، کاری که شرکت کردند و گرداندگان اصلی کنفرانس، حکومت‌های ارتجاعی عرب بودند. تفرقه و بی‌هماهنگی کشورهای مترقی عرب و وجود اختلاف میان سوریه و "س.ا.ف" از عواملی بود که امکان مناسب برای مانور حکومت‌های ارتجاعی و عسکر را فراهم ساخت.

در قطعه‌های کنفرانس قبلی سران عرب در "امان"، اختلاف نظر پیرامون مسائل جنبش مقاومت فلسطین به عیان آشکار شد و مواضع رسمی اعلام شده با اهداف و برنای‌ها و خواست سازمان آزادیبخش فلسطین، تفاوت داشت. کنفرانس مورد بحث، تشکیل دولت مستقل فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی، غرب رود اردن و نوار غزه، و شرکت مستقل "س.ا.ف" در

کنفرانس بین‌المللی ملحد در خاور میانه به صورت متساوی الحاقی با سایر طرف‌های درگیر را مسکوت گذارد. مواضع رسمی اعلام شده در قطعه‌ها، بیشتر با طرح‌های ملک نزدیک بود و فدرالیسم، اردنی - فلسطینی را مدنظر داشت. به علاوه کنفرانس به طور تلویحی دعوت کویت از آمریکا برای حفاظت از کشتی‌های آن کشور در نتیجه حضور آمریکا در خلیج فارس را مورد تأیید قرار داد.

پس از کنفرانس سران عرب در "امان"، سیاستمداران آمریکا را موقعیت برای بی‌گسسته‌شدن تلاش‌های خود در شکل‌دهی متناسب با شرایط جدید منطقه، مناسب دیدند. شولتز، وزیر خارجه آمریکا فعالیت‌های جدیدی را برای پیشبرد طرح معسرف خود آغاز کرد. در طرح شولتز، آمریکا با توجه به مسوولیت‌ها و مواضع آنجا دشواری‌ها و ابهامات بر ضرورت تشکیل کنفرانس بین‌المللی برای حل و فصل مسئله فلسطین و با حضور مستقل "س.ا.ف" به عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین بپای می‌نهاد، مواضع مشابه اکثر کشورهای عربی در این باره، به طور رسمی تشکیل اجلاس بین‌المللی را پذیرفت. بدین ترتیب آمریکا مجبور شد تا یکی از عناصر مهم طرح کمپ دیویدیه که تنها بر راه حل‌های جداگانه بین اسرائیل و تک‌تک کشورهای عربی خط مقدم تا کنون است، فست بردارد. اما سرعنا طرح شولتز با طرح‌های قبلی آمریکا و ملک حسین تفاوتی نداشت. در این طرح مجدداً بر عدم پذیرش تشکیل دولت مستقل فلسطین در سرزمین‌های اشغالی و بر ایجاد فدراسیون اردنی - فلسطینی، عدم پذیرش آن سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین و شرکت مستقل و برابری آن با سایر طرف‌های درگیر در کنفرانس بین‌المللی، تأکید شد. طبعی بود که جنبش‌های عربی نمی‌توانست با موافقت "س.ا.ف" و دولت‌های ملی عرب مواج نشود. به خصوص این با شولتز هم‌سوی بود. سوریه را نیز به عنوان مهم‌ترین کشور خط مقدم و درگیر با اسرائیل به مذاکره در باره طرح خود قرار داد. زیرا مذاکره با رهبران سوریه و جلب توافق آنها، برای پیشبرد طرحی در باره مسائل اعراب و اسرائیل ضروری و حتمی است.

سراشما تلاش‌های شولتز، نتایج مورد نظر آمریکا را به بار نیاورد و طرح آمریکا که هدف آن ایجاد دفتر میان کشورهای عربی از یک طرف و منفرد نمودن "س.ا.ف" از طرف دیگر بود، موفقیت چندانی کسب نکرد.

یکی از مهم‌ترین عواملی که طرح شولتز را تنها کنونی ناموفق ساخت، تلاش همه جانبه دولت‌ها و کشورهای مترقی عربی سازمان آزادیبخش فلسطین برای ایجاد اتحاد و وحدت نظر در باره مسئله فلسطین در میان خودشان بوده است. تلاش‌های حکومت الجزایر و "س.ا.ف"، زمینه را برای نزدیک شدن "س.ا.ف" و سوریه فراهم نمود و منجر به دیدار طرفین باسد طی ماه‌های اخیر و کاهش اختلافات طرفین گردید. از طرف دیگر با تسلط حکومت‌ها و نیروهای ملی و مترقی لبنان و "س.ا.ف" بهبود یافت مشکلات ایجاد شده در لبنان برای سازمان آزادیبخش فلسطین و درگیری‌های امل - فلسطینیان، تخفیف و خاتمه پیدا کرد. نزدیک شدن سوریه، "س.ا.ف" و نیروهای ملی و مترقی لبنان که دارای اهمیت استراتژیک در تحولات منطقه عربی خاور میانه است، کشورهای مترقی عرب را نزدیک تر نمود و اختلاف نظر آنها را کاهش داد. این امر زمینه‌ساز جذب بعضی از حکومت‌های کشورهای عربی را فراهم نمود.

حکومت‌های که از جانب اسرائیل و آمریکا، به نفع آنان نیست و از آوازه مسائل قومی و ملی نسبت به جنبش فلسطین از خود حساسیت نشان داده و راه‌های عربی برای حل و فصل مسائل اعراب و اسرائیل را ترجیح می‌دهند.

فعالیت گسترده و متحد "س.ا.ف" و حمایت حکومت‌های ملی عرب از آن، سبب گردید تا سازمان آزادیبخش فلسطین نقش ارزشمندی در سازماندهی و گسترش ایجابات قیامی سابقه فلسطینیان تا مسکن در مناطق اشغالی که اکنون بیش از ۶ ماه است ادامه دارد، ایفا کند. گسترش قیام توده‌ای در مناطق اشغالی یک بار دیگر مساله فلسطین را به حتمی‌ام ایجاب آن برای توده‌های عرب منطقه و مردم جهان مطرح ساخت، و بنابراین تا فاشیت‌ها با تهاجم اسرائیل، حتی متحدین آنها را در حمایت آشکار از صهیونیست‌ها در مضیقه قرار داد.

در چنین شرایطی سازمان آزادیبخش فلسطین و حکومت الجزایر، به عنوان اعضای جامعه عرب و اجلاس فوری سران عرب برای بررسی قیام فلسطینیان و تأمین کمک و مساعدت نسبت به آن را خواستار شدند. هر چند این تقاضا به مذاق آمریکا و لیبیا، امریکایی و صهیونیست‌ها سازگار نبود و به دلیل ارشکته‌های عده‌ای از حکام مترقی کشورهای عربی مدتی به تعویق افتاد، اما سرانجام طی ماه پیش، اجلاس مورد بحث

در اجلاس برپا شد. دستورالعملی این اجلاس بررسی قیام فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی، ضرورت حمایت سیاسی فعال از آن، چگونگی تأمین نیازهای مالی و غیرمالی و ایجاد وحدت نظر و دستیار سیاسی به موضوعی واحد پیرامون عمده ترین اهداف و خواست‌های مبارزه آنان بود. شالده این حدیث، رئیس جمهوری الجزایر، طی نطق افتتاحیه خود در کنفرانس سران اظهارداد شد: "کار اصلی کنفرانس، تلاش و کمک به فلسطینیان برای ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی است که با بدست‌المقدس با بخت آن باشد". سایر مناقشات منطقه‌ای، از جمله جنگ ایران و عراق نیز در دستور کار کنفرانس قرار داشت.

اهمیت این کنفرانس از آن جهت بود که در یکی از حساس‌ترین لحظات برای جنبش مقاومت فلسطین برپا شد. شرایطی که تا حدی عمده‌ان، ادامه شش ماهه و سپس با بقعه مقاومت و مبارزه توده‌ای در سرزمین‌های اشغالی است. قیامی که در صوف صهیونیست‌ها و در دیلماسی آنها، تفاها و سردرگمی بی‌بقعه‌ای ایجاد کرده است، و اختلاف بین صهیونیست‌های اسرائیلی و حامیان بین‌المللی‌شان را افزایش داده است. شرایطی که تحولات سیاسی و دیپلماتیک وسیع آمریکا و متحدان منطقه‌ای، برای آنکه روند‌های پرتحول منطقه را تحت کنترل خود در آورند و بر آنها موثر افتند، با این بست مواجه شده و حتی ملک حسین به عنوان یکی از مجری‌ان طرح‌های آمریکا در منطقه، به مخالفت‌های بی‌طرف با طرح شولتز پرداخته است.

به علاوه تحولات و فاع جهان و اروپا و مناسبات بین شرق و غرب بر مبنای سیاست‌های ملحد و ستاره دیلماسی و واقع‌بینانه‌ها در کشور، به گونه‌ای است که شرایط جهانی را حل و فصل عادلانه و مسالمت‌آمیز مسائل خاور میانه را به عیب پیش از پیش فراهم می‌شود.

کنفرانس سران عرب در الجزایر از نظر شرکت‌هایت‌ها نمایندگان همه کشورهای عضو به خصوص ۱۶ تن از رهبران این کشورها در آن، به لحاظ مبرها و مریز قیامی و ایجاد هماهنگی و تصمیمات و قطعنامه‌های پایانی، حائز اهمیت زیادی است. کنفرانس تأمین کمک‌های مالی و غیرمالی برای "س.ا.ف" و تقیید فلسطین را مورد تصویب قرار داد و تصمیمات مشخص و عملی در این باره اتخاذ کرد. با اعلام موضع مریح در رابطه با ضرورت تشکیل کنفرانس بین‌المللی برای حل مسئله فلسطین در آن زمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی مردم فلسطین و متساوی الحاقی با سایر طرف‌های درگیر شرکت نماید، همچنین تأکید بر ضرورت تشکیل دولت مستقل فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی، عملاً طرح شولتز را بر تلافی‌های دولت‌های عربی از جمله، حکومت اردن، برای ایجاد فدراسیون اردنی - فلسطینی و شرکت فلسطینیان در کنفرانس بین‌المللی ملحد خاور میانه در کار در هیات‌نمایندگی اردن را، رد کرد. جنبش وحدت نظری در سال‌های اخیر و از زمان تشکیل کنفرانس سران عرب در "فاس" (مراکش) در سال ۱۹۸۲ تا کنون بی‌بقعه بوده است.

کنفرانس همچنین حمایت همه جانبه از س.ا.ف و مبارزه نیروهای ملی و مترقی لبنان علیه صهیونیست‌ها، مورد حمایت قرار داد تا مبنای مالی کمک‌های برای کشورهای خط مقدم جبهه عسکر علیه اسرائیل را متعهد گردید.

اجلاس الجزایر، آمریکا را به خاطر حمایت یک جانبه از اسرائیل و تخریب روند ملحد در خاور میانه محکوم نمود. قطعنامه‌های پایانی کنفرانس سران آمریکا را به خاطر تأسیسات‌هایی که حقوق حقوق عادلانه فلسطینیان را نادیده می‌گیرد و اسرائیل را به اعمال سیاست‌های خونخوار میز و جنگ طلبانه ترغیب می‌کند، محکوم کرد. کنفرانس سران از پیشینه اهداف مبنی بر اعزام نیروهای بی‌طرف سازمان ملل متحد به مناطق اشغالی، به خاطر ایجاد امنیت برای فلسطینیان تا کسب این مناطق، تا زمان حل و فصل ملحد میز مسائل موجود، موافقت نمود. قطعنامه‌های پایانی همچنین از آهنگ دوناتو و شرکت‌های شورای امنیت برای حل و فصل ملحد میز مسائل فلسطین، انتقاد کرد و تحریک بیشتری را در این باره خواستار شد. کنفرانس سران جامعه کشورهای عرب در الجزایر، موفقیت سیاسی بزرگی برای مبارزه خلق فلسطین و نیروهای ملحد دوست و مترقی خاور میانه محسوب می‌شود. ایجاد چنین هماهنگی در سطح وسیع و همبستگی که عمدتاً خط مشی "س.ا.ف" و حکومت‌ها و نیروهای ملی و مترقی عربی در آن نمودار است، بدون تردید در تحولات آتی مسائل اعراب و اسرائیل مهم نقش بسزایی خواهد داشت. این کنفرانس نشان داد که در صورتیکه "س.ا.ف" متحد و یکپارچه باشد، دولت‌های ملی عرب بر اختلافات خود قیام خواهند کرد. سازمان آزادیبخش فلسطین حرکت کند و سیاست‌های واحدی اتخاذ نماید، قادر خواهد بود از تلاش‌های مذبح‌ها، آمریکا و حکومت‌های مترقی عرب، جهت تا سیرک‌گذاری و سمت دادن به روند‌ها

المیلیک سؤل؛

میدان نبوده‌های سیاسی و ورزشی

دنبال حادث اخیر، امیرالایسما آمریکا به‌بانه‌ها نه ساختگی خطر حمله کرده‌شمالی به‌کره جنوبی، ناوهای جنگی خود را به این منطقه گسیل داده تا در صورت لزوم به‌سایست "مشق آهنین" متوسل شود.

المیلیک سؤل هر چند به یک "المیلیک سیا سی" بدل شده است، با اهمیت ورزشی آن همچنان بی‌بهره است. هم اکنون هزاران ورزشکار را زده قماره جهان برای نشان دادن دوستی و صلح میان ملت‌ها و برای نمایش توانایی‌های جسمانی شگفت‌انگیز انسان، خود را آماده می‌کنند. هر المیلیک گامی است تا زده‌ترین ورزش و ورزشی، و المیلیک سؤل نیز از این قاعده برکنار نیست.

اما نه‌تدارک المیلیک سؤل و نه نزدیک شدن زمان برگزاری آن، در ورزش ایران، تحرک و تکان قابل ملاحظه‌ای بدیده‌اند. رده است. رژیم جمهوری اسلامی با ادا مسابقات‌های فدرورزشی خود که متوجه انزوی ورزش ایران از میان‌دین بین‌المللی است، مانع شرکت ورزشکاران در کشورها در اکثر رشته‌های ورزشی تدارکاتی و مقدماتی المیلیک گردید.

ورزش زنان به‌طور کامل از صحنه برکنار شده است. شد بسیاری از رشته‌های ورزشی مردان نیز با مسابقات امکان شرکت در مسابقات مقدماتی را نیا فتند.

برخی رشته‌ها، نظیر فوتبال، به دلیل عدم اجرای قوانین بین‌المللی از سوی رژیم بدینجه راه از شرکت در مسابقات با زما نندند. سرانجام نیز ورزشکاران ایران تنها در چند رشته ورزشی نظیر کشتی و دوچرخه‌سواری، و نیمه به‌طور ناقص، تا مزدفربه سؤل شدند. همین قدر هم از سوی جریانات و دستجات مافوق ارتجاعی که خواهان کناره‌گیری کامل ایران از مسابقات هستند، صورت پذیرفته است.

بدون وقفه به کمک رهنه می‌شود، کنترل‌های شدید و متبصری برای شناسایی و تحفیف ورزشکاران

المیلیک تابستان ۱۹۸۸ سؤل در راه است. هر بار نزدیک تر شدن لحظاتی که شش‌هفته‌فروزان بازی‌های المیلیک، پس از نیمه‌وزن هزاران کیلومتر راه از بیژان به‌سایست می‌در آید، اروپا و آسیا آمریکا می‌رسند. مشکل المیلیک را به‌نشانده‌اش از دور جدیدی از این جشنواره جهانی ورزشی مشتعل سازد، همان ورزش یکبار رجه در هیجان فوهری رود، زیرا که المیلیک بزرگ‌ترین و معتبرترین رویداد ورزشی است. المیلیک سؤل اما، تنها یک رویداد دوررزشی نیست و با رشته‌های از مسائل سیاسی جدی وریشه‌دار گره خورده است.

انتخاب کره جنوبی برای برگزاری المیلیک ۸۸ از همان نخستین روز، اعتراضات فراوانی را برانگیخت. نیروهای دمکراتیک کره جنوبی و هم چنین جمهوری دمکراتیک خلق کره، خواستار برگزاری مشترک المیلیک از سوی هر دو کره شدند. المیلیک وسیله‌ای برای نزدیک کردن دو کشور و کمک به اتحاد مسالمت‌آمیز آن‌ها بود. جمهوری دمکراتیک خلق کره با همین هدف پیشنها کرد که به‌حالت موقتاً به‌جنگی با یان داده شود، شمال و جنوب عدم حمله به یکدیگر را اعلام کنند. المیلیک به‌طور مشترک برگزار گردد. همه کشورهای و نیروهای شرقی خواهان برگزاری مشترک المیلیک پیشنها می‌کردند، اما کره جنوبی و امپریالیسم آمریکا، یعنی مداخله‌طلبانه و با همه این درخواست‌ها مخالفت کرده و با امرای راجا پانزده فقط در خاک کسره جنوبی، جدائی و تقسیم‌دوگره را مورد تأیید قرار دادند.

هم‌زمان با نزدیک شدن زمان برگزاری المیلیک، اعتراضات در خود کره جنوبی شدت گرفته است. چندی پیش هزاران دانشجو جوان کره جنوبی به‌طور مشترک اعتراضات و تظاهرات خیابانی، خواهان ملاقات با دانشجویان جمهوری دمکراتیک خلق کره و مذاکره بی‌امون و وحدت مسالمت‌آمیز دو کشور شدند. حکومت کره جنوبی این پیشنها را نیز رد کرد. بردا پسین پیشنها بردا منتهای اعتراضات افزوده است. مردم کره جنوبی و نیروهای دموکراتیک ایران که شور می‌کشند با زوای المیلیک را به وسیله‌اشی جنایات و سرکوب و فساد دیکتاتوری کره جنوبی و تقویت روند رشد شمال و جنوب کشورشان تبدیل کنند، به

مخالف رژیم از ترکیب تیم‌ها، درگیری‌های میان نا‌پذیری‌های دولتی در دستگاو ورزش و تعویض بی‌دری مسئولین و مربیان، تیم‌های ایران را در مقابل مناسب‌ترین شرایط قرار داده است. تجارب پیشین نشان می‌دهد که حتی در مسابقات برگزاری مسابقات نیز، تصمیمات ناگهانی مسئولین می‌تواند منتهی به عجز و فرار از مسابقات ورزشکاران را ملتی سازد، رفتن یا نرفتن تا آخرین لحظات زیر سؤل است.

با چنین وضعی، نتیجه شرکت حقیرانه، ناقص و ناتمام و نادرک ندیده تیم‌های ایران در المیلیک ۸۸ از پیش روشن است. سؤل عرصه شکست دیگری است، اما نه شکست ورزشکاران، بلکه شکست رژیم سیاست‌های فدرورزشی آن. ورزش ایران با بقای قدیمی و درختان دارد، اگر از مورورزش ایران این چنین بیما و ضعیف و بی‌اعتبار است، اگر امروز ورزش ایران در هیچ عرصه بین‌المللی جایی و درختی ندارد، گنا و ورزشکاران نیست، گنا و رژیم آخوندی فدرورزش‌ها که بر ایران است.

برای اینکه قهرمانان ایرانی بتوانند آنچنان که سابقه نشاناست در میان‌دین بین‌المللی حضور یابند، درخشند داشته باشند، نمونه‌های خلاق و فرهنگ اصیل مردم ایران باشند و تا کشور ما را بلندآرزو سازند، با ورزش را از زنجیر "مکتب نجات" بیاورند، با یاد خواندن و آخوند مسلک‌ها نمی‌تواند از ورزش‌ها تقدیر سرشته‌اند که از علم و دانش، از دستگا و ورزشی کشور بیرون رخنه شوند، به کنترل بر ورزشکاران بیایند داده شود. معیارهای نظیر ریش و تسبیح و اعتقاد داشتن به جنگ و آدم‌کشی برای گزینش در تیم‌ها و لوگرویداد استعدا دوا تعیسی ورزشی جانشین آن شود. ورزشکاران، خبرنگاران و پیشگامان دلسوز ورزش، خود را راه مورورزشی کشور را به دست گیرند و در یک کلام دستگا ورزش کشور را به‌طور تیزه‌شود. تنها در این صورت است که این پیشگامان بیما و رود زنجیر سلامت و نادانگی خود را بازمی‌یابند. مبارزه ورزشکاران و جوانان در این راه، مبارزه برای نجات ورزش آخوندی‌ها، مبارزه برای تحقق رسالت ورزش و رساندن پیام صلح و دوستی هم‌میهنان ما به مردم جهان و نیز کسب افتخارات بزرگ در المیلیک‌های بعدی است. □

کنفرانس سران ...

کنفرانس سران ... در منطقه جلوه‌گیری کنند و مهر و نشان خود را بر تحولات اوضاع منطقه بکشند. طبیعی است که تا و ما این موفقیت عملی شدن تصمیمات سران، منوط به حفظ یکپارچگی حکومت‌های ملی عرب، گسترش دامنه‌های اتحادیه کشورهای عربی که مواضع میان‌روان در رابطه با مسأله فلسطین دارند و همه می‌توانند در تحکیم اتحاد دو هنگامی میان سوریه، "ساقا" و نیروهای ملی و متوققی لبنان است. زیرا بروز اختلاف طرفین حکومت‌های ملی عرب به‌طور عمده به‌خاطر مواضع سیاست‌های متفاوت آنها نسبت به مسائل فلسطین، از زمان آرادیخ فلسطین و گروه‌های مختلف فلسطینی عنوان می‌سازد، بروز کرده و می‌کند. این اتحاد و عمل مشترک، زمینه‌ساز برای ارتقاء مواضع سیاست‌های کشورهای و نیروهای ذکر شده را کاهش می‌دهد و بر تحولات مثبت در منطقه، تأثیر جدی بر جای می‌گذارد.

تحولات چند ماهه اخیر در منطقه عربی و در میان نه‌کشاخص آن، وحدت، یکپارچگی و عمل مشترک گروه‌های ملی تشکیل دهنده زمان آرادیخ فلسطین، قیام حق طلبانه، بی‌باک و بی‌شائبه و در سرزمین‌های اشغالی، از فزایش مجدداً عقب‌نشینی تا شریکداری "ساقا" در مسائل منطقه، و نزدیک‌سازی هم‌هنگی بین حکومت‌ها و نیروهای متحرکی عرب است، زمینه‌های مناسبی برای تشکیل کنفرانس بین‌المللی و واقعی جهت حل و فصل مسأله فلسطین را پدید آورده است. "ساقا" است، فراهم می‌سازد. اینجا دتخیفیر اوضاع بین‌المللی و روابط شرق و غرب که با ابتکار صلح‌دوستانه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی پدیدار گشته و حل و فصل مسالمت‌آمیز درگیری‌های منطقه‌ای را در دسترس قرار داده است، همچنین حمایت بین‌المللی مردم نیروهای شرقی و صلح‌دوست و افکار عمومی مردم جهان از قیام و مبارزه مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی و جنگ کردن جریانات فاشیست ما با نسیه صهیونیست‌ها را در این مناسبات، همگی چشم‌اندازهای امیدبخشی را برای حل و فصل عادلانه و همه‌جانبه مسأله فلسطین می‌کشا یید.

یکی دیگر از موضوعات مهم مورد بحث در کنفرانس سران عرب در الجزایر، جنگ ایران و عراق بود. جنگی که رژیم صدام مسئول آغاز آن و رژیم خمینی مسئول ادامه آن است. جنگی که از رهگذر آن، پس از مردم ایران و عراق، بیشترین لطمات و ضربه‌ها به مبارزه عادلانه خلق فلسطین علیه صهیونیست‌ها را در اشغال‌گروا داده است.

سران عرب در کنفرانس اخیر خود به طمس سرز بی‌باک‌های رژیم خمینی را به‌خاطر ادامه جنگ و عدم تقیه در صفحه ۲

شبه کودتای ضیاء الحق

ضیاء الحق، رئیس جمهوری مستبدی کستان، با یک "شبه کودتا"، دولت مجلس قانون گذاری پاکستان را منحل و دولت جدیدی را به جای دولت قبلی نشان. رئیس جمهوری کستان که با دولت "مخدعان چونجو"، نخست وزیر پاکستان بر سر مسایل بیرونی و مسالمت‌آمیز و چگونگی راه حل برخورد با مسایل اقتصادی اجتماعی کشور - که حالت بحران شدیدی به خود گرفته است - به اختلافاتی رسیده بود، چاره کار را در انحلال دولت و مجلس دید.

زید بارانی، وزیر امور خارج دولت پیشین که ریاست هیات نمایندگی پاکستان در امضای قرارداد دژ نو در باره مسأله افغانستان را به عهده داشت، ضمن توضیح موضع ضیاء الحق در باره دژ نو مبنی بر مخالفت و ایجاد مانع در راه اجرای آن، اظهار داشت که "بین ما اختلافاتی وجود داشته است که اگر پیش از این بگویم، ممکن است به زندان بیافتم."

ضیاء الحق با تغییر ناگهانی کابینه، به‌بسر اسلامی کردن حیات جامعه و اجرای اجباری مراسم مذهبی و انجام محدود اسلامی انگشت گذاشته و مقررات جدیدی در این خصوص اعلام شده است. ضیاء الحق در ضمن گفته است احزاب و سازمان‌های سیاسی، سرچشمه‌ها بسا مانع‌ها و بازسازگی بوده‌اند و این هستند که حکومت را فلج کرده‌اند.

طبق قانون اساسی پاکستان، رئیس جمهوری می‌باید حداقل تا سه ماه پس از انحلال مجلس - یعنی اوایل شهریور ماه - انتخابات مجدداً برگزار کند. هر ضیاء الحق با اعلام طرح‌های سیاسی برای انتخابات سرری و "اجازه" شرکت بعضی از احزاب سیاسی در آن، قول داده است که سر مو عصب انتخابات صورت گیرد. شبیه چنین قولی را وی یک بار دیگر در سال ۱۹۷۷ وقتی که به سر کار آمد، به مردم دادولی "اجرای آن بیش از ۳ سال یعنی تنها سال ۱۹۸۵ که حاکمیت نظامی در پاکستان سرکار بود به در را کشید. اکنون با بدیدد این رژیم سر سر کرده امپریالیسم آمریکا در منطقه، که با بحران سخت اقتصادی و سیاسی روبروست و علت نابسامانی‌ها را می‌شمارد، در احزاب و سازمان‌های سیاسی جستجو می‌کند، تا چه حد به "قول" خود وفا در خواهد نمود تا چه اندازه و چگونه احزاب سیاسی "اجازه" شرکت در انتخابات بپیدا می‌کنند.

۲/۵ میلیاردر و رویه‌گری موا زنه برداخت، گاهش شدیداً زرش پول پاکستان به میزان ۳۳٪ در سال گذشته که در ۴۰ سال اخیر بی‌سابقه بود، ۴۰ میلیون بیکار را، گاهش ۵۵٪ از زردار تفتی که توسط حکومت پاکستان می‌باشد که در کشورهای عربی نفت خیز منطقه مشغول کار می‌نمایند و در سال جاری قریب ۵۵ هزار نفر دیگر از آنها به کشورهای می‌گردند و به خیل بیکاران می‌پیوندند، بوجه نظر می‌سازد و رگه در ۱۰ اخیر

ضیاء الحق را روز به روز دشوارتر می‌کند. □

